

حسابداری مدیریت

در آمریکا

کره و ژاپن^(۱)

هرسه کشور استفاده از روش بازگشت سرمایه را در تصمیمات سرمایه‌گذاری ترجیح می‌دهند.

JAPAN

نوشته: ایل- وون کیم و جاسونگ^(۲)
ترجمه: حمید احمدی

عملی بودن استراتژی‌های تولید، اهمیت جدی می‌دهند. همچنین علاوه بر ملاکهای پذیرفته و روش شناختی ارزیابی سرمایه‌گذاری، شمع تجاری نیز بعنوان یکی از معیارهای ارزیابی مورد توجه قرار می‌گیرد. میزان دخالت این معیار نزد شرکتهای ژاپنی ۵٪ و نزد شرکتهای کره‌ای و آمریکائی به ترتیب ۲۵٪ و ۲۲٪ است.

استفاده از روش بازگشت سرمایه بعنوان معیاری پذیرفته شده و مؤثر در کلیه کشورهای مورد بررسی، بطور نسبی عمومیت دارد. بررسی ما نشان داد این رویکرد بسیط در ۸۶٪ شرکتهای ژاپنی، ۷۵٪ شرکتهای کره و ۷۱٪ شرکتهای آمریکا بکار گرفته می‌شود.

روش بازگشت سرمایه به دلایل زیر مورد انتقاد گرفته است:
- ارزش زمانی پول را نادیده می‌گیرد.

- جریان وجوه نقد پس از دوره بازگشت سرمایه مورد توجه واقع نمی‌شود، و علی‌الاصول تعیین بازگشت سرمایه مورد انتظار از هر سرمایه‌گذاری، دشوار است.

بنابراین، روش بازگشت سرمایه از جنبه نظری نسبت به روشهای تنزیل جریان نقدی، مانند روش خالص ارزش فعلی و نرخ بازده داخلی در مرتبه پائین‌تری قرار دارد. ولی در محیطی که تکنولوژی به سرعت تغییر می‌کند و محصولات نوین به سرعت منسوخ می‌شوند، شرکتها باید مترصد فرصت برای سرمایه‌گذاری‌هایی باشند که در کوتاه مدت برگشت می‌شوند. این وضعیت به کارگیری روش بازگشت سرمایه را به همراه سایر روشهای ایجاد وضعیت می‌کند. از شرکتهایی که دوره بازگشت سرمایه را به کار می‌برند، سؤال شد که شرکت انتظار دارد، سرمایه‌گذاری را در تکنولوژی پیشرفته تولید، ظرف چند سال بپوشاند. اغلب شرکتهای نمونه، مدتی کمتر از پنج سال را به عنوان حداقل دوره بازگشت در نظر داشتند. تصمیمات در مورد

یافته‌های ما در این بررسی نشان می‌دهد، حسابداران مدیریت هرسه کشور هدف کوتاه‌مدت خود را عمدتاً بر میزان فروش بنا می‌نهند. درحالیکه نحوه طبقه‌بندی هزینه‌های تولید بین آنها تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای دارد.

شرکتهای کره‌ای، مانند شرکتهای ژاپنی و آمریکائی در توجیه سرمایه‌گذاری‌ها بیش از آنکه به عوامل کمی توجه کنند، به عوامل کیفی توجه دارند (شکل ۱). این عوامل به عنوان عوامل استراتژیک موفقیت شرکت در بین رقبا، کیفیت محصولات، تحویل و ظرفیت تولید را در برمی‌گیرد.

نمونه‌های مورد بررسی نشان می‌دهد، بیش از ۸۰٪ شرکتهای کره‌ای و آمریکائی در ارزیابی سرمایه‌گذاریها به بهبود روش‌های اجرایی توجه دارند و کلیه شرکتهای در نمونه‌های انتخابی، به برتری بسر رقبا و

(۱). به نقل از: MANAGEMENT ACCOUNTING, August 1990.

(۲). ایل- وون کیم، دانشیار دانشکده حسابداری دانشگاه آکرون و عضو انجمن ملی حسابداری آکرون، و جاسونگ استاد دانشکده مدیریت بازرگانی دانشگاه یونسی، سئول و کره است.



U.S., KOREA

می‌گیرند. هزینه‌های دستمزد غیرمستقیم لازم برای تولید، از قبیل نصب، نقل و انتقال مواد، و کنترل کیفیت، در ایالات متحده معمولاً متغیر، ولی در کره و ژاپن ثابت فرض می‌شوند. همچنین، در حدود ۲۰٪ تا ۳۰٪ شرکت‌های کره‌ای و آمریکایی، این هزینه‌ها را نیمه متغیر فرض می‌کنند.

به نظر می‌رسد که در کره و ایالات متحده نسبت به چگونگی طبقه‌بندی هزینه‌های تعمیر و نگهداری، توافق عمومی وجود ندارد. بیش از ۲۰٪ شرکت‌های کره‌ای و آمریکایی هزینه‌های تعمیر و نگهداری را [هزینه] متغیر، بیش از ۲۰٪ نیمه متغیر، و بیش از ۲۰٪ ثابت در نظر می‌گیرند. با وجود این، در ژاپن، تنها ۸٪ شرکت‌های نمونه، تعمیر و نگهداری را هزینه متغیر، ۱۸٪ نیمه متغیر، و ۵۸٪ ثابت فرض می‌کنند. هزینه‌های ابزار و انرژی نیز، در هر سه کشور، معمولاً تحت‌تمامی عناوین یادشده اعم از متغیر، نیمه متغیر و یا ثابت طبقه‌بندی می‌شود.

سرانجام، هزینه‌های غیر مستقیم مانند: هزینه‌هایی از قبیل سرپرستی، مهندسی، داده‌پردازی، اقامت در ساختمان، مالیات و بیمه، استهلاک ماشین‌آلات و تجهیزات و هزینه‌های نگهداری موجودی کالای در جریان ساخت، چنانکه انتظار می‌رود، معمولاً ثابت فرض می‌شوند.

تسهیم سربار

هزینه‌های غیرمستقیم که سربار کارخانه بشمار می‌آید، عموماً در مراحل گوناگون تولید، برای انعکاس کل هزینه تولید، جذب محصول می‌شود. بنا براین، توجه نسبت به چگونگی تخصیص هزینه‌های سربار به محصولات حائز اهمیت است. هر مبنای جذب

سرمایه‌گذاری از سوی اکثر شرکتها در کره، ژاپن و ایالات متحده برای کوتاه مدت تعیین می‌شود. که علت آن شاید تغییرات سریع تکنولوژیکی و نرخ بالای منسوخ شدن محصولات باشد.

به همین دلایل تقریباً همین درصد از شرکت‌های کره‌ای و آمریکایی، روش کمی شامل نرخ بازده حسابداری، نرخ بازده داخلی و ارزش خالص فعلی را به کار می‌برند اما تعداد شرکت‌های ژاپنی که از فنون تنزیل جریان نقدی استفاده می‌کنند، چندان زیاد نیست.

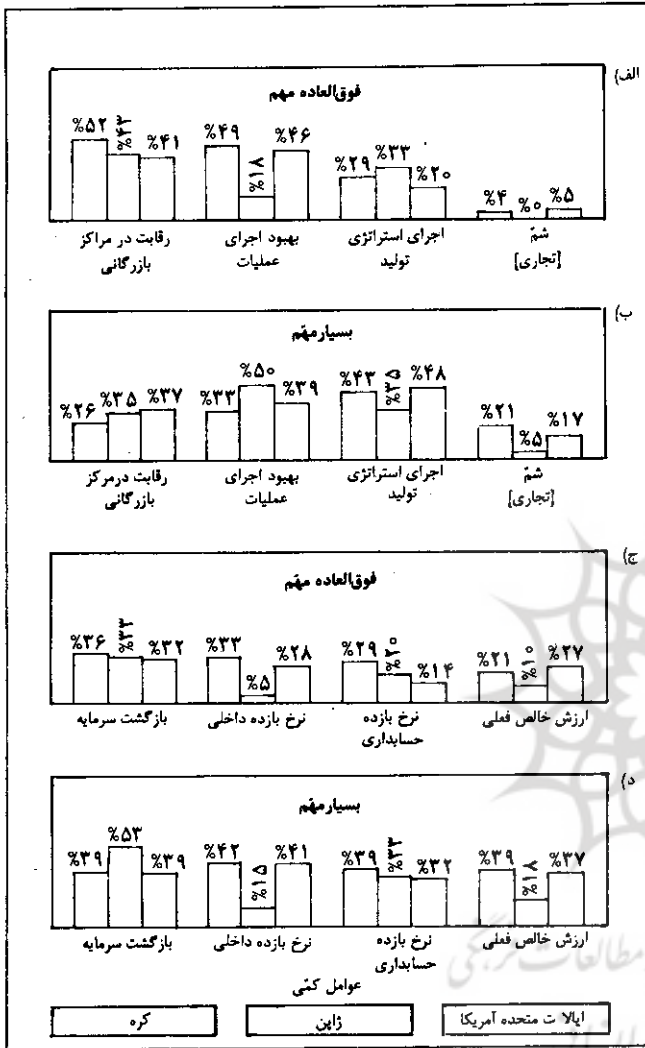
تنها ۲٪ شرکت‌های ژاپنی نمونه، از نرخ بازده داخلی همچون معیار مهمی در تصمیم‌گیریها برای سرمایه‌گذاری استفاده می‌کنند، و تنها ۲۸٪ آنها ارزش خالص فعلی را به کار می‌برند.

هزینه‌های تولید

هزینه‌های تولید را می‌توان براساس الگوهای رفتاری هزینه طبقه‌بندی کرد. هزینه‌های متغیر آنهایی هستند که با تغییر در میزان تولید، تغییر می‌کنند. هزینه‌های ثابت، آنهایی هستند که برای یک دوره زمانی وسط تولید معین، بدون توجه به [میزان] تولید، در مجموع ثابت باقی می‌مانند. رفتار بسیاری از هزینه‌ها در بخشی متغیر و در بخشی ثابت است. یعنی این که آنها تغییر می‌کنند، ولی کمتر از آنچه متناسب [با تغییر در میزان تولید] می‌باشد. این هزینه‌ها را به عنوان هزینه‌های نیمه متغیر می‌شناسند. دستمزد مستقیم (برای نمونه، دستمزد تولید) را اکثر شرکتها در کره، ژاپن و ایالات متحده متغیر می‌دانند (جدول ۱) با وجود این، در ژاپن، ۴۰٪ شرکت‌های نمونه، دستمزد تولید را هزینه ثابت در نظر

«حسابداری مدیریت» در آمریکا، کره و ژاپن

شکل ۱ / معیار مورد استفاده در توجیه سرمایه‌گذاری
(در صد کل پاسخ‌دهندگان)



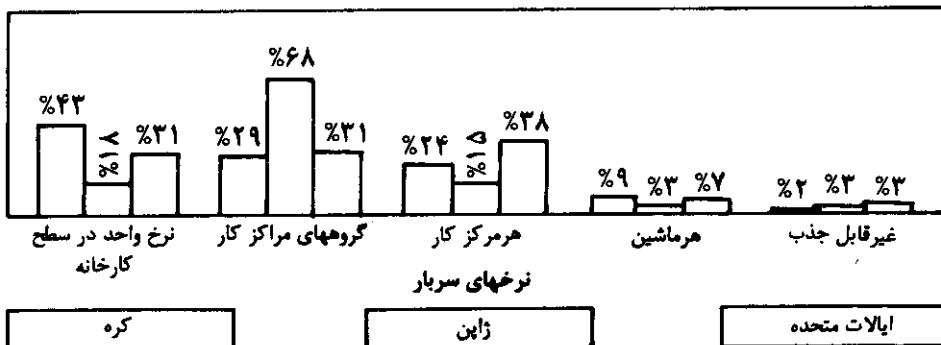
نامناسب، هزینه‌های تحریف شده‌ای را ایجاد خواهد کرد، که می‌تواند مدیران را به سوی اتخاذ تصمیمات تجاری نامناسب بکشاند.

در شکل (۲)، می‌توان نحوه تخصیص اغلب شرکتها را در تسهیم سربار کارخانه مشاهده کرد. تنها دو تا سه درصد شرکتها، به روشنی اظهار داشتند که هزینه‌های سربار را تخصیص نمی‌دهند. معمول‌ترین نرخ جذب سربار در هر کشور با نرخهای مشابه در سایر کشورها متفاوت است. نرخهای واحد در سطح کارخانه‌های کره (۴۳٪)، نرخهای متعلق به گروههای مراکز کار در ژاپن (۶۸٪)، و نرخهای متعلق به هر مرکز کار در ایالات متحده (۳۸٪)

شگفت‌آور است که نزدیک به نیمی از شرکت‌های نمونه کره‌ای، نرخ سربار واحدی به کار می‌برند. برای شرکت‌های تولید کننده معدودی محصول همگن به مقدار زیاد، به کار بردن یک نرخ در سطح کارخانه پذیرفتنی است، ولی اطلاعات اضافی نشان می‌دهد که در کره در هر صنعتی یک نرخ واحد در سطح کارخانه عمومیت دارد. استفاده نسنجیده از یک نرخ واحد برای تمام هزینه‌های سربار که خصوصیات خاص هزینه‌هایی را که هر مرکز کار یا خدمت متحمل گردیده است، نادیده می‌گیرد، ارقام هزینه تحریف شده‌ای را به وجود می‌آورد.

به طور کلی، انتخاب این مبانی به محیط تولیدی شرکت بستگی دارد. هرگاه محصولی، ساعات کارکرد ماشین را طلب کند، در این صورت ساعات کارکرد ماشین، سبب می‌شود که مجموعهای از هزینه‌های سربار افزایش یابد. در این حالت، ساعات کارکرد ماشین برای استفاده در تسهیم هزینه‌های سربار، سطح فعالیت مناسبی است و هرگاه بسیاری از هزینه‌های سربار کارخانه به کار وابسته باشند، دقیقترین مبانی تسهیم، ساعات کار مستقیم یا ارزش دلاری کار مستقیم خواهد بود.

شکل ۲ / مبنای تسهیم سربار (در صد کل پاسخ‌دهندگان)



**جدول ۲/ میانجی جذب سرمایه
بر حسب محیط کار/ ماشین- معیار
(درصد کل پاسخ دهندگان)**

معیار	کار	محیط	معیار	ماشین	محیط	
کره	ژاپن	ایالات متحده	کره	ژاپن	ایالات متحده	
۱۳	۱۰	۱۰	۲۰	۵۳	۳۲	ساعات کار استاندارد
۲۲	۱۸	۶	۴۲	۵۳	۲۵	ساعات کار واقعی
۱۰	۰	۵	۱۴	۲۰	۲۳	ارزش دلاری استاندارد کار
۲۲	۸	۶	۳۴	۱۸	۲۳	ارزش دلاری واقعی کار
۱۷	۲۸	۲۴	۷	۰	۸	ساعات کارکرد استاندارد ماشین
۲۸	۳۰	۱۵	۹	۰	۷	ساعات کارکرد واقعی ماشین
۱۷	۱۳	۸	۴	۳	۵	زمان در مرکز ماشین
۲۵	۱۸	۱۵	۲۰	۸	۱۱	مقادیر (یا میزان) تولید
۱۱	۱۰	۹	۱۳	۱۰	۱۰	مقادیر استاندارد مواد مصرف شده
۲۵	۱۳	۸	۲۳	۸	۱۰	مقادیر واقعی مواد مصرف شده
۱۱	۱۰	۸	۱۰	۱۳	۱۳	هزینه استاندارد مواد مصرف شده
۲۴	۸	۷	۲۲	۸	۱۱	هزینه واقعی مواد مصرف شده
۴	۳	۲	۶	۳	۸	جذب نشده

**جدول ۳/ شاخصهای مالی مورد استفاده برای تعیین حدود
(درصد کل پاسخ دهندگان)**

کره	ژاپن	ایالات متحده	صورت حساب سود و زیان:
۹۵	۹۶	۸۹	فروش
۷۷	۶۰	۷۶	سود ناخالص
۷۷	۶۳	۶۸	درصد سود ویژه نسبت به فروش
۷۵	۶۸	۸۲	رشد فروش
۶۲	۶۱	۷۰	درصد سود عملیاتی نسبت به فروش
۴۰	۸۳	۵۹	حاشیه سود
۲۵	۵	۱۳	سود اقتصادی
۲۰	۶	۱۳	سود باقیمانده
۵۸	۵۳	۷۳	گردش وجوه نقد
ترازنامه:			
۶۴	۶۱	۷۰	سطوح موجودی
۴۷	۴۳	۴۸	بازده کل سرمایه
۴۵	۵۰	۶۲	بازده کل دارائتها
۴۰	۲۸	۴۸	هزینه سرمایه
۱۸	۴۱	۴۷	بازده حقوق صاحبان سهام

اطلاعات صورت حساب سود و زیان، نسبت به استفاده از ترازنامه و صورت گردش وجوه نقد متداول تر است. (جدول ۳). اولین عاملی که در صورت حساب سود و زیان در هر سه کشور، در مرکز توجه قرار دارد، فروش است. در حدود ۹۰٪ یا بیشتر شرکتهای پاسخ دهنده «همیشه» یا «اغلب» فروش را به عنوان یک شاخص قابل اندازه گیری در تعیین

بقیه در صفحه ۵۵

در عمل، نرخهای تسهیم وابسته به کار (برای نمونه، ساعات یا ارزش دلاری کار مستقیم) معمولاً در یک محیط «کار بر» و ساعات کارکرد ماشین در یک محیط «ماشین بر» به کار گرفته می شود. (جدول ۲). با وجود این، برخی شرکتهای هنوز ساعات با ارزش دلاری کار را در یک محیط «ماشین بر» و ساعات کارکرد ماشین را در یک محیط نفر- کار بر به کار می برند. این چگونگی در مورد شرکتهای کرهای از شرکتهای ژاپنی و آمریکایی آشکارتر است.

جدول (۲) همچنین نشان می دهد که ارقام هزینه واقعی نسبت به ارقام هزینه استاندارد، در کره

**جدول ۱/ طبقه بندی هزینه های تولید
(درصد کل پاسخ دهندگان)**

متغیر	ثابت			تیمه متغیر		
	ایالات متحده	ژاپن	کره	ایالات متحده	ژاپن	کره
دستمزد تولید	۴۱	۴۸	۷۱	۱۳	۵	۵
دستمزد نصب	۲۵	۳۵	۴۹	۲۷	۵	۲۰
دستمزد نقل و انتقال مواد	۲۶	۱۸	۴۰	۲۱	۱۳	۲۹
دستمزد کنترل کیفیت	۱۶	۱۰	۲۸	۲۱	۱۰	۳۰
تعمیر و نگهداری	۲۹	۸	۲۳	۲۵	۱۸	۳۶
انرژی	۲۲	۲۸	۲۴	۲۶	۲۳	۲۷
انرژی	۴۰	۳۸	۲۱	۲۰	۲۸	۳۶
سرپرستی	۱۰	۳	۳	۱۵	۲	۲۲
پشتیبانی تولید (برای مثال: مهندسی)	۱۶	۳	۵	۱۸	۸	۱۸
دامبرداری	۱۴	۳	۲	۱۷	۱۳	۱۲
اقامت در ساختمان	۳	۰	۱	۶	۰	۵
مالیات و بیمه	۱۰	۰	۱	۱۷	۳	۹
استهلاک (ماشین آلات و تجهیزات)	۶	۰	۱	۹	۰	۶
هزینه نگهداری موجودی (کالای در جریان ساخت)	۱۵	۵۸	۱۹	۲۷	۸	۲۵

به گونه ای گسترده تر به کار برده می شود، در حالیکه ارقام استاندارد، هم در ژاپن و هم در ایالات متحده معمول تر است، پنج مبنای دیگر مورد استفاده برخی کشورها به مقادیر تولید و مواد مصرف شده مربوط است. بعضی از شرکتهای کرهای اظهار داشتند که آنها تعداد کارکنان، میزان فروش و هزینه های مستقیم تولیدی را به عنوان مبنای تسهیم هزینه به کار می برند.

معیارهای اجرا

یک کار برد عمده اطلاعات حسابداری مدیریت در شرکتهای استقرار استانداردهای عملیاتی کنترل عملکرد کارکنان است. میزان کاربرد اطلاعات حسابداری به این منظور، به اندازه کاربرد آنها در تأمین رضایت مشتریان است. استانداردهای دقیق به کارکنان و مدیران کمک می کند تا به نفع عموم عمل کنند و نیز به آنها یاری می دهد تا بصورت گروه در جهت اهداف و مقاصد مورد توافق طرفین با یکدیگر همکاری کنند. هرگاه معیارهای عملیاتی شرکتی با مقاصد نهایی مدیریت منطبق نباشد، شرکت نمی تواند در درازمدت موفق باشد.

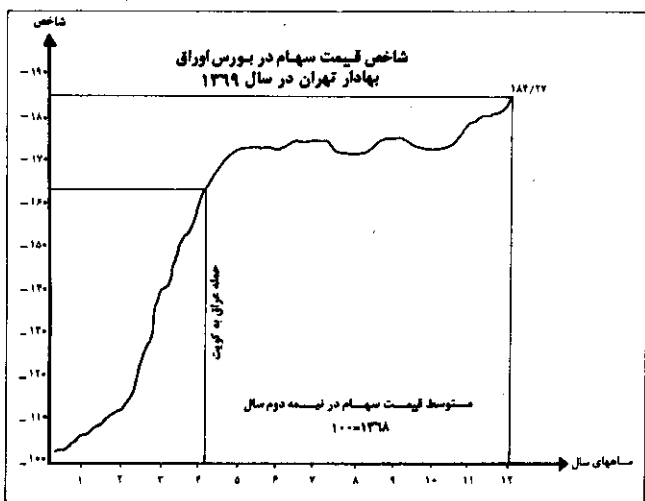
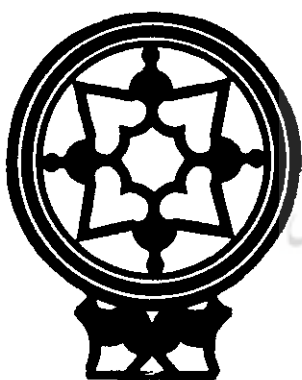
اطلاعات مالی یک شرکت را می توان از صورتهای مالی سه گانه صورت حساب سود و زیان، ترازنامه و صورت گردش وجوه نقد استخراج کرد. در کره، ژاپن، و ایالات متحده، استفاده از

شاخص کل قیمت

سهام

در بورس اوراق بهادار تهران

THPIX



سال هفتم شماره سوم و چهارم

محمدعلی اکباتانی

مقدمه

شاخص قیمت سهام، نشانه‌دهنده وضعیت اقتصادی یک کشور می‌باشد. کاهش قیمت سهام عموماً بمعنی رکود اقتصادی و افزایش آن عموماً بمفهوم رونق اقتصادی می‌باشد. این شاخص عموماً یا بوسیله خود بورس اوراق بهادار یا توسط موسسات حرفه‌ای مستقل از بورس محاسبه و ارائه می‌شود.

شاخص غالباً تحت تاثیر دو گروه عوامل قرار می‌گیرد
۱- وضعیت شرکتهایی که سهام آنها در بورس مورد معامله قرار می‌گیرد که عامل درون سازمانی خوانده می‌شود.

۲- عوامل برون سازمانی که غالباً شرکتهای خود بورس بر آنها کنترلی ندارند مانند بحرانهای سیاسی و اقتصادی، مثالی در این زمینه بحران اخیر خلیج فارس می‌باشد که در ابتدا باعث سقوط شاخص قیمت سهام گردید. (به نمودار نگاه کنید).

چگونگی محاسبه شاخص قیمت سهام در بورس اوراق بهادار تهران

شاخص ذکر شده توسط خود بورس (در قسمت تحقیقات آن) تهیه می‌گردد و هنوز هیچ مؤسسه حرفه‌ای خارج از بورس در این زمینه اقدامی نکرده است. طبعاً لازم است این مؤسسات نیز نقش فعالی در این زمینه بعهده گیرند.

برای تهیه شاخص در بورس تهران بدو مطالعه روی بورسهای دنیا بخصوص آنهایی که از لحاظ کمی و کیفی قابل مقایسه با بورس تهران بودند صورت گرفت. در اغلب این بورسها برای محاسبه فرمول اصلی شاخص از مطالعات «لاسپیر» استفاده میشود که مشخصات آن بشرح زیر است.

$$IND = \frac{\sum P_n \cdot Q_0}{\sum P_0 \cdot Q_0}$$

در این فرمول، P_n قیمت جاری سهام، P_0 قیمت پایه سهام و Q_0 تعداد سهام در تاریخ دوره مبنا است. مثلاً اطلاعات زیر را برای ۳ شرکت در نظر بگیرید

۴- محاسبه شاخص، کل قیمت سهام- از ابتدای سال ۱۳۶۹، معاملات هفتگی سهام بررسی و قیمت سهام معامله شده بعنوان قیمت جاری سهام در نظر گرفته شد (با این توجه که برای سهامی که معاملاتی روی آن صورت نگرفته بود، همان قیمت پایه مورد نظر بود). سپس از حاصل تقسیم جمع قیمت جاری سهام بر قیمت پایه سهام، شاخص هفتگی محاسبه گردید.

تغییرات یکساله شاخص سهام در بورس تهران

نمودار ، تغییرات ذکر شده را نشان می‌دهد. شاخص کل قیمت سهام از ۱۰۰ واحد در اول سال به ۸۴/۲۷ واحد افزایش یافته که بیانگر رشدی معادل ۸۴/۲۷ درصد می‌باشد. بررسی بیشتر نشان میدهد که در چهارماهه اول سال ۶۹، عدد شاخص به ۶۳/۰۸ واحد رسیده بود که نشان دهنده ۶۳/۰۸ درصد رشد است. در اوایل مردادماه با اشغال کویت توسط عراق چون سهام خارجی در بورس تهران نیست، کاهشی در عدد شاخص مشاهده نشد ولی بعلت رکود حاکم در بازار، سیر صعودی شاخص متوقف گردید. در هشت ماهه بقیه سال عدد شاخص از ۱۶۳/۰۸ تنها به رقم ۱۸۴/۲۷ رسید که نشانگر رشدی معادل ۲۱/۱۹ درصد است.

شاخص هفتگی براساس صنعت و شرکت

به موازات تهیه شاخص کل قیمت سهام بشرح بالا، شاخص هفتگی به تفکیک هرصنعت و هرشرکت (در داخل صنعت مربوط) نیز تهیه گردیده است که بطور مرتب در نشریه هفتگی بورس منتشر می‌گردد و راهنمای خوبی برای علاقمندان در گروههای مختلف می‌باشد.

تعدیل شاخص

در حال حاضر با ورود سهام جدید یا خارج شدن احتمالی شرکتی از تابلوی معاملات و همچنین با اعلام حق تقدم در پذیره نویسی سهام شرکتها، تعدیل در شاخص تهران به عمل نمی‌آید. مقدمات انجام این کار فراهم شده و از اول سال ۱۳۷۰، جهت نیل به ارقام صحیحتر، حسب مورد تعدیل لازم نیز صورت خواهد گرفت.

شاخص روزانه

همزمان با ارامندازی قسمت کامپیوتر، اقداماتی صورت گرفته تا شاخص روزانه نیز تهیه گردد. چنانچه با توسعه و تکمیل امکانات، شرایط بهتری فراهم شود، شاخص ساعتی نیز تهیه خواهد شد تا به این وسیله سرمایه گذاران، اطلاعات سریع، دقیق و کافی در اختیار داشته باشند و فقط براساس نقل قول و اخبار و شایعات اقدام به خرید سهام نکنند. به امید آرزو. ■

شرکت	Q_0	P_0	$P_0 Q_0$
الف	۲۰۰۰	۲/۵۰۰	۵/۰۰۰/۰۰۰
ب	۵۰۰	۶/۸۰۰	۳/۴۰۰/۰۰۰
ج	۱/۰۰۰	۷/۳۰۰	۷/۳۰۰/۰۰۰
			$\Sigma P_0 Q_0 = ۱۵/۷۰۰/۰۰۰ =$

حال فرض کنید در تاریخی دیگر معاملات زیر روی سهام این شرکتها انجام شود. شرکت الف: ۴۱۰۰۰ سهم بقیمت هر سهم ۳/۰۰۰ ریال و شرکت ج: ۱۰۰۰ سهم بقیمت هر سهم ۷/۴۵۰ ریال (روی سهام شرکت ب معاملاتی صورت نگرفته است).

شرکت	Q_0	P_n	$P_n Q_0$
الف	۲/۰۰۰	۳/۰۰۰	۶/۰۰۰/۰۰۰
ب	۵۰۰	۶/۸۰۰	۳/۴۰۰/۰۰۰
ج	۱/۰۰۰	۷/۴۵۰	۷/۴۵۰/۰۰۰
			$\Sigma P_n Q_0 = ۱۶/۸۵۰/۰۰۰ =$

$$IND. = \frac{\Sigma P_n Q_0}{\Sigma P_0 Q_0} = \frac{۱۶/۸۵۰/۰۰۰}{۱۵/۷۰۰/۰۰۰} \times ۱۰۰ = ۱۰۷/۳۲$$

عدد شاخص ذکر شده، بیانگر اینست که مجموعه ثابت سهام (سبد سهام اولیه) چقدر رشد داشته است. در این مثال میزان رشد معادل ۷/۳۲ درصد محاسبه می‌گردد. همانطور که ملاحظه گردید در مورد سهام ب که معاملاتی روی آن صورت نگرفته آخرین قیمت (بناچار) مورد استفاده واقع گردید.

وضع عوامل موثر در شاخص بورس تهران

۱- تعداد سهام در مجموعه ثابت سهام (Q_0) - با توجه به اینکه بورس تهران از تاریخ آبان ماه ۱۳۶۸ مجدداً فعال گردیده بود، میانگین تعداد سهام معامله شده ۵۴ شرکت در شش ماهه دوم سال ۶۸، مینا قرار گرفت. براساس محاسبات انجام شده رقم Q_0 مدل معادل یک ششم کل سهام معامله شده هر شرکت، تعیین گردید.

۲- قیمت پایه سهام (P_0) - قیمت پایه نیز براساس میانگین قیمت سهام در شش ماهه دوم سال ۱۳۶۸ محاسبه گردید.

۳- قیمت بازار در دوره پایه - از حاصل ضرب تعداد سهام انتخابی هر یک از ۵۴ شرکت در قیمت پایه محاسبه شده، ارزش کل قیمت بازار سهام تعیین گردید.

تامین منابع مالی شرکتها

خطر ورشکستگی و نسبت پائین بدهی سرمایه
بمعنی کاهش ارزش شرکت بنا بر این نظر شرکت تا
زمانی بدهی بیشتر را قبول می‌کند که ریسک
ورشکستگی بیشتر با مزایای ناشی از افزایش
ارزش شرکت متعادل گردد.

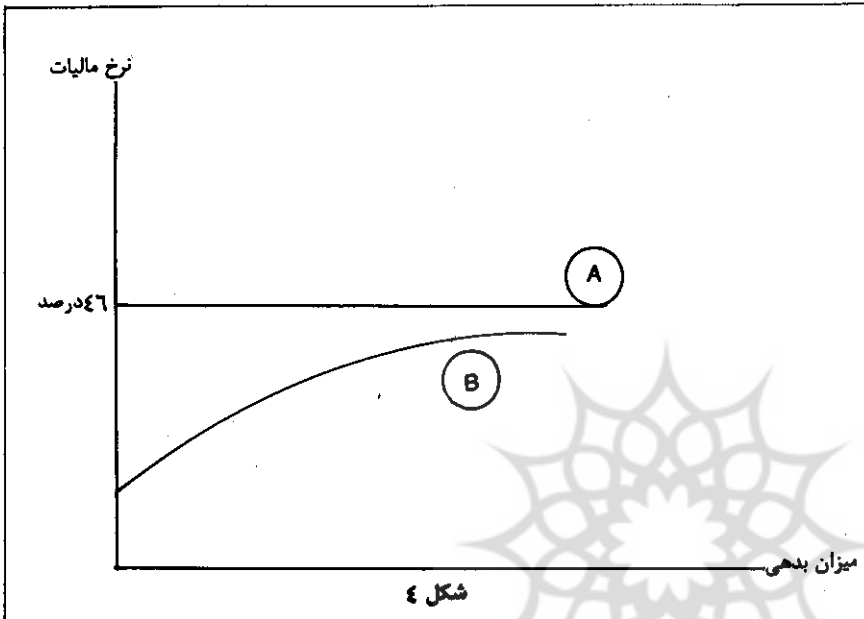
توضیح دیگری نیز در این باره که چرا ساخت
مالی شرکت اهمیت دارد، داده شده است:
استدلال می‌شود که مدیران هدفهایی را دنبال
می‌کنند، هدفهایی مانند ثروتمند شدن خود، که
این هدفها با منافع مالکان شرکت در تضاد است.
این تضاد

هزینه کارگزاری را بوجود می‌آورد که
هزینه کنترل مدیران برای اطمینان از هماهنگی
عملکرد آنان با منافع مالکان شرکت است.
در سال ۱۹۷۶ جنسن و مکلینگ برای نشان دادن
اینکه چگونه هزینه کارگزاری ممکنست توضیحی
در باره نسبت بدهی سهام شرکتها باشد، کوشش
کردند.

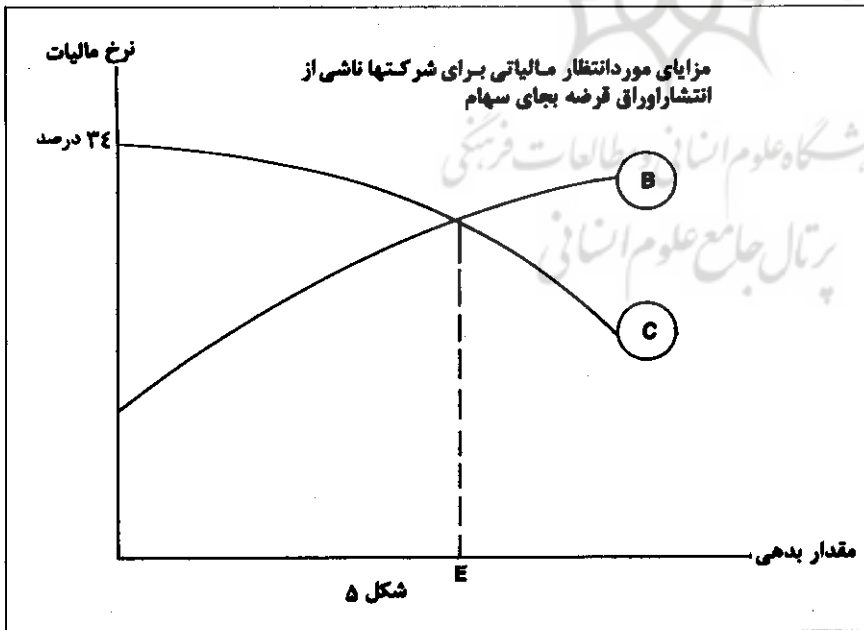
اینان استدلال می‌کنند که مدیران شرکتهایی که
خود سهامدار شرکت نیز می‌باشند پول شرکت را
به نسبت عکس درصد سهامی که در شرکت دارند،
صرف هزینه‌های تشریفاتی می‌کنند بنا بر این هر چه
میزان سهام مدیر در شرکت کمتر باشد، ارزش
شرکت برای سرمایه‌گذاران خارج از شرکت کمتر
است. از طرف دیگر، انتشار اوراق قرضه، هزینه
کارگزاری را افزایش می‌دهد. علت اینست که
مدیران مالک در شرکتهایی که بدهی بسیار دارند،
به پذیرش سرمایه‌گذارهای پرریسک تمایل دارند:
اگر در این قمار برنده شوند، مالکان تمامی سود را
بدست خواهند آورد. اگر بازنده شوند، بخشی
از زیان را صاحبان اوراق قرضه تحمل خواهند کرد.
کنترل این مدیران، هزینه کارگزاری را افزایش و
ارزش شرکت را کاهش می‌دهد.

بنابراین جنس و مکلینگ نتیجه‌گیری می‌کنند
که نسبت بهینه بدهی، سرمایه، علاوه بر سایر
مسائل، منعکس کننده هزینه کارگزاری برای
شرکتهایی است که به بدهی بیشتر اتکا می‌کنند
(مدیران به قمار کردن تشویق می‌شوند) و سهام
کمتری به مدیران خود

ارائه می‌دهند.
تا سال ۱۹۵۸ اقتصاددانان مالی دانشگاهی و
غیر دانشگاهی، بدون درک مسئله، فرض میکردند
که ساخت مالی شرکت اهمیت دارد. با رد شدن
نظریه سنتی، نظریه مودلیانی-میلر اقتصاددانان
را وارد ساخت تا به پرسشهای گوناگونی در این
زمینه پاسخ بدهند یا حداقل در این مورد به
تفکر بپردازند که چگونه نظام مالیاتی، بازار مالی
را تحت تاثیر قرار می‌دهد اگر نرخهای مالیاتی
برای افراد متفاوت باشد، چه اتفاق می‌افتد؟ اگر
منافع مدیران با منافع مالکان شرکت در تضاد باشد،



شکل ۴



شکل ۵

اقتصاد مالی انجام شود.

چه می‌شود؟

کوشش برای پاسخگویی به این پرسشها و بسیاری
پرسشهای دیگر، روش تفکر اقتصاددانان درباره
بازارهای مالی را تغییر داده است. مقاله مودلیانی و
میلر باعث شده است که کارهای بسیاری در زمینه



اخبار انجمن

● اسامی اعضای جدید انجمن با سوابق تحصیلی و محل کار آنان به شرح زیر توسط دبیرخانه انجمن در اختیار ما گذارده شده است:

اعضای جدید	تحصیلات	محل کار
آقای فرزاد آیرملو	لیسانس حسابرسی	شرکت جنرال مکانیک
آقای علی اصغر شهبازی	فوق لیسانس حسابداری	بنیاد مستضعفان و جانبازان



● بعثت شروع فصل کار برای اعضا، برگزاری سایر قسمت‌ها و دوره‌های این سمینارها به بعد از تیرماه ۱۳۷۰ موکول گردیده است. از اعضای علاقه‌مندان درخواست میشود پیشنهادهای خود را در مورد زمان و نحوه برگزاری این دوره‌ها، کتباً یا تلفنی با دبیرخانه مطرح فرمایند. دبیرخانه انجمن حسابداران خبره ایران

سمینارهای آموزشی کامپیوتر



شرکت دایاستم

انجمن حسابداران خبره ایران سپاس خود را به خاطر در اختیار گذاشتن
 کامپیوترهای شیرفته کوریو Koryo برای سمینارهای
 آموزشی کامپیوتر تقدیم میدارد



همکار محترم
جناب آقای مصطفی علی مدد

مصیبت وارده را از صمیم قلب تسلیت
عرض می‌نماید.

هیئت تحریریه ماهنامه حسابدار

دکتر علی جهانمخانی

تنگناهای بورس اوراق

بهادار تهران و طرق رفع آنها

مقدمه

بورس اوراق بهادار مکانی است که اوراق بهادار به آسانی در آن مورد معامله قرار می‌گیرد. اشخاص حقیقی و حقوقی با آگاهی از اینکه بازار آماده و دائمی برای فروش اوراق بهادار آنها وجود دارد، رغبت بیشتری به خرید چنین اوراق بهاداری نشان می‌دهند. لذا بورس به گردش وجوه سرمایه‌ای کمک شایانی می‌کند و موجبات رونق اقتصادی را فراهم می‌آورد.

بازار بورس اوراق بهادار موقعی می‌تواند تداوم و آثار خوب اقتصادی داشته باشد که اولاً مبادلات در آن با سرعت انجام پذیرد و ثانیاً دفعات تکرار معاملات آنقدر زیاد باشد که یک حالت پیوستگی به آن بدهد و ثالثاً تفاوت زیادی بین قیمت پیشنهاد خرید و قیمت پیشنهاد فروش وجود نداشته باشد. در چنین بازاری می‌توان اطمینان داشت که قیمت بازار، تفاوت چندانی با ارزش واقعی اوراق بهادار ندارد. در این بازار اشتیاق مردم به سرمایه‌گذاری زیادتر خواهد شد و از طرف دیگر شرکتها نیز مطمئن خواهند بود که سرمایه مورد نیاز خود را با هزینه کمتری می‌توانند از بازار سرمایه تأمین کنند.

اوراق بهاداری که در بورس معامله می‌شود، انواع متعددی دارد، ولی مهمترین آنها اوراق قرضه و سهام عادی است. قبل از انقلاب اسلامی ایران، اوراق قرضه دولتی در بورس تهران نیز معامله می‌گردید، ولی بعد از انقلاب بخاطر غیر شرعی بودن بهره، معاملات اوراق قرضه از جریان فعالیت آن حذف گردید. زمان حاضر، تنها سهام عادی در بورس اوراق بهادار تهران معامله می‌شود. بعد از انقلاب اسلامی بخاطر ملی شدن بانکها و تحت پوشش دولت درآمدن اکثر شرکتها پذیرفته شده در بورس و بلا تکلیف ماندن مالکیت سهامداران جزء در شرکتها مشمول بند الف، ب و ج قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران، معاملات سهام عادی نیز در بورس تهران را کدگردیده از طرف دیگر، بخاطر کمبودهای اقتصادی ناشی از جنگ تحمیلی، اکثر کارخانجات بحالت نیمه تعطیل درآمد و مردم نیز تمایلی به سرمایه‌گذاری در سهام عادی نشان نمی‌دادند.

بعد از پایان جنگ تحمیلی و اتخاذ سیاستهای جدید دولت در تشویق فعالیت‌های تولیدی و تأمین ارز مورد نیاز شرکتها و حذف کنترل‌های دولت در

قیمت‌گذاری و توزیع محصولات کارخانجات، دورنمای وضعیت مالی شرکتها بهبود یافت و رغبت مردم به سرمایه‌گذاری در سهام عادی شرکتها از اواسط سال ۱۳۶۸ بیشتر شد. از طرف دیگر، بدنبال سیاست دولت مبنی بر واگذاری سهام شرکتها تحت پوشش دولت به کارگران و مردم، عرضه این گونه سهام نیز افزایش یافت. علاوه بر این تجربه تلخ مردم در سرمایه‌گذاری در شرکتها مضاربه‌ای باعث شد که مردم رغبت بیشتری به سرمایه‌گذاری در سهام عادی نشان دهند. مجموع این عوامل باعث شد که حجم معاملات بورس که در سال ۱۳۶۲، حدود یک میلیارد ریال بود به حدود ۳۰ میلیارد ریال در ۱۰ ماهه اول سال ۱۳۶۹ برسد. مقایسه حجم معاملات بورس تهران با سایر بورسهای دنیا نشان می‌دهد که حجم معاملات بورس تهران، علی‌رغم رشد زیادی که داشته بسیار ناچیز است.

سوالی که از اهمیت بیشتری برخوردار است، اینست که تنگناها و مشکلات بورس تهران و بازار سرمایه ایران چیست و چگونه می‌توان از طریق رفع تنگناها، بورس اوراق بهادار تهران را رونق بخشید...

● مشکلات بورس تهران

مشکلات بورس را می‌توان در سه گروه عمده

خلاصه کرد

- الف- مشکلات مربوط به عرضه سهام
- ب- مشکلات مربوط به تقاضای سهام
- ج- مشکلات تشکیلاتی و مقرراتی

الف- مشکلات مربوط به عرضه سهام عادی
عرضه سهام در بورس تابعی از تعداد شرکتها پذیرفته شده در بورس و میزان گسترش مالکیت سهام اینگونه شرکتهاست. هرچه تعداد شرکتها بیشتر باشد، عرضه اوراق بهادار در بورس نیز بیشتر خواهد بود. همچنین هرچه تعداد سهامداران اینگونه شرکتها بیشتر و تمرکز سهام در دست تعداد معدودی از افراد کمتر باشد حجم خرید و فروش اوراق بهادار نیز بیشتر خواهد شد.

۱- تعداد شرکتها پذیرفته شده در بورس
موقعی شرکتها تقاضای پذیرش در بورس اوراق بهادار را مینمایند که منافع حاصل از آن بیشتر از مضار آن باشد. مزایای مهم پذیرفته شدن سهام یک شرکت در بورس را میتوان بشرح زیر خلاصه کرد:

۱. ایجاد نقدینگی و افزایش قابلیت فروش سهام شرکت.

سال هفتم شماره سوم و چهارم

۲. افزایش شهرت و اعتبار شرکت.
۳. سهولت تامین مالی از طریق فروش سهام عادی در آینده.
۴. برخورداری از معافیت‌های مالیاتی و سایر مزایای مخصوص شرکتهای پذیرفته شده در بورس.

در ایران مزایای مذکور در ردیفهای ۱ و ۳ اهمیت چندانی برای شرکتهای ندارد، زیرا که ۱- شرکتهای غالباً به سرمایه زیاد نیاز ندارند یا اینکه به تامین مالی از طریق فروش سهام به عموم مردم علاقمند نیستند ۲- شرکتهای بخاطر سهولت استفاده از اعتبارات بانکی و نرخ پائین بهره ترجیح میدهند که نیاز مالی خود را از طریق اخذ وام از سیستم بانکی تامین نمایند ۳- اکثریت سهام اینگونه شرکتهای در دست یک یا چند نفر سهامدار عمده است که به مشارکت با سایر اشخاص و از دست دادن قسمتی از کنترل شرکت علاقمندی ندارند ۴- اکثر اینگونه شرکتهای بخاطر محدودیت ارزی نمیتوانند در جهت توسعه فعالیت خود سرمایه‌گذاری عمده‌ای بنمایند و بنابراین، نیاز چندانی به منابع مالی جدید ندارند ۵- شرکتهایی که ناگزیر از توسعه هستند، ترجیح میدهند که با استفاده از ذخائر (سود تقسیم نشده) نیاز مالی خود را برطرف نمایند.

در رابطه با مزایای ردیف ۴ لازم بتذکر است که در قانون مالیاتی قبلی معافیت‌های مالیاتی برای شرکتهای و برای سهامداران آنان در نظر گرفته شده بود و همین مزایای مالیاتی باعث شده بود که شرکتهای تمایل بیشتری برای پذیرفته شدن در بورس اوراق بهادار تهران داشته باشند. در قانون مالیاتهای مستقیم فعلی این مزایا بمقدار قابل توجه کاهش یافته است.

مسائل ناشی از پذیرفته شدن سهام در بورس اوراق بهادار تهران را میتوان بشرح زیر نام برد:
۱. چون یکی از شرایط پذیرش سهام در بورس گسترده بودن مالکیت سهام در دست تعداد زیادی از سهامداران است، لذا این امر موجب کاهش تمرکز سهام در دست سهامداران اصلی می‌گردد.

۲. شرکتهای پذیرفته شده در بورس ملزم به ارائه اطلاعات صحیح و درست به سهامداران و مراجع رسمی بورس هستند. لذا دیگر قادر به مخفی نمودن تمام یا قسمتی از سود خود بمنظور فرار از پرداخت مالیات یا حق بیمه سازمان تامین اجتماعی نخواهند بود.

۳. سهامداران شرکتهای پذیرفته شده در بورس نیز قادر به فرار از پرداخت مالیات نخواهند بود زیرا که کلیه نقل و انتقالات سهام اینگونه شرکتهای باید از طریق بورس انجام پذیرد و مراجع مالیاتی براضی قادر خواهند بود که سود حاصل از خرید و فروش سهام آنها را

تعیین و مالیات متعلق را محاسبه و وصول نمایند. دو نکته یاد شده در بالا در جامعهای که فرهنگ فرار از مالیات رواج زیاد دارد، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

مشکلات مربوط به تقاضای سهام

مالکیت سهام معمولاً در دست طبقات متوسط به بالای جامعه است. با توجه به اینکه درصد اینگونه افراد در ایران در مقایسه با کشورهای صنعتی کم است، لذا تعداد افرادی که توانایی مالی سرمایه‌گذاری در سهام را داشته باشند، محدود است و این یک عامل محدود کننده در فعال نمودن بورس تهران خواهد بود.

باتوجه به اینکه اغلب پس‌انداز کنندگان در ایران اصولاً تجربه و تخصص مالی و در نتیجه شناختی نسبت به اوراق بهادار ندارند لذا آنها رغبت چندانی به سرمایه‌گذاری در سهام عادی نشان نمیدهند، بلکه غالب آنان ترجیح میدهند که پس‌انداز خود را در فلزات گرانبها، فرش، زمین و مستغلات سرمایه‌گذاری نمایند. ضمناً نظر به اینکه در سالهای اخیر نرخ بازده سرمایه‌گذاری در زمین و ساختمان خیلی بالا بوده است، احتمال اینکه اینگونه افراد وجوه خود را بسمت سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار سوق دهند ضعیف خواهد بود.

سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار مستلزم تجزیه و تحلیل دقیق اطلاعات اقتصادی و مالی مربوط به وضعیت اقتصادی کل کشور و شرکت مورد نظر است. چون در ایران اطلاعات صحیح اقتصادی و مالی بسختی بدست می‌آید و تهیه آنها نیز مستلزم زحمت و هزینه زیاد است لذا مردم تمایل زیادی به سرمایه‌گذاری در سهام نخواهند داشت. در اکثر کشورهای توسعه یافته شرکتهای موظفند که هر سه ماه اطلاعات مفصل و صحیح را در مورد وضعیت مالی و عمومی شرکت چاپ و منتشر نمایند. در ایران اطلاعات مربوط به شرکتهای اولاً کامل نیست و ثانیاً این اطلاعات

پس از گذشت زمان طولانی تهیه و در دسترس سرمایه‌گذاران قرار می‌گیرد. بدیهی است که هرچه قدمت اطلاعات بیشتر باشد فایده آنها در تجزیه و تحلیل و ارزیابی سهام کمتر است. در این رابطه بهتر است که بورس تهران یا یک مرجع رسمی دیگر موظف به رسیدگی به کم و کیف اطلاعات مالی تهیه شده توسط شرکتهای باشد.

با توجه به اینکه ارزش سهام بستگی به سودها و عایدات آتی آن سهام دارد، لذا سرمایه‌گذاران علاقمندند که از تحولات مربوط به آینده اقتصاد و آینده شرکت تا حدودی با اطلاع باشند. این امر موقعی امکان‌پذیر است که

دولت از یک سیاست باثبات اقتصادی پیروی کند و از تغییر ناگهانی مقررات و خط‌مشی‌های اقتصادی خودداری نماید. همچنین شرکتهای باید سهامداران خود را در جریان برنامه‌های عملیاتی مالی و سرمایه‌گذاری آینده خود قرار دهند.

یکی دیگر از مشکلات مربوط به تقاضای سهام معلوم نبودن تکلیف مالکیت سهام اشخاصی است که در شرکتهای مشمول بند الف قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران سهامدار بوده‌اند. متأسفانه بعد از ۱۲ سال که از ملی شدن اینگونه شرکتهای می‌گذرد، هنوز دولت جهت پرداخت غرامت یا بهای سهام به سهامداران اقدامی ننموده است. چنین مواردی باعث می‌شود که مردم سرمایه‌گذاری در سهام را همراه با ریسک زیاد تصور نمایند.

مشکل دیگر تعیین نکردن حدود مالکیت مشروع افراد در جمهوری اسلامی ایران است. در چنین حالتی اشخاصی سعی می‌کنند که ثروت خود را بصورت آشکار نگهداری نکنند و بنابراین بجای سرمایه‌گذاری در سهام عادی پول خود را به صورت مسکوکات طلا و نقره یا احتکار سایر کالاها نگهداری می‌نمایند.

یکی دیگر از مشکلات مربوط می‌شود به نگرانی افراد در مورد مدیریت شرکتهایی که قسمتی از سهام آنها تحت پوشش سازمانهای دولتی است. اینگونه شرکتهای اغلب دستخوش تغییرات شدید مدیریتی می‌شوند و این تغییرات لطمه فراوانی بر وضعیت مالی اینگونه شرکتهای وارد می‌آورد. ثانیاً تصمیمات هیئت مدیره اینگونه شرکتهای اغلب تحت تاثیر سیاستها و خط‌مشی‌های سازمانهای ذیربط خود قرار می‌گیرد و تصمیمات متخذه نیز تماماً در جهت منافع بقیه سهامداران نیست ازینرو اشخاص علاقه چندانی به سرمایه‌گذاری در سهام شرکتهایی که کنترل آنها در دست سازمانهای دولتی است، ندارند.

تنگناهای مربوط به بورس اوراق بهادار تهران

بورس اوراق بهادار تهران یکی از جوانترین بورسهای اوراق بهادار دنیا بشمار می‌رود و بنابراین سیستمها و رویه‌های معاملات اوراق بهادار آن تکامل نیافته است. از طرف دیگر امکانات بورس تهران بحدی نیست که بتواند حجم زیادی از معاملات را انجام دهد. بموازات افزایش حجم معاملات ضروری است، امکانات زیر در بورس تهران افزایش یابد:

۱. فضای اداری و سالن معاملات بورس
۲. وسایل ارتباطی مثل تلفن، تسلسک و فاکسی مایل

شاخص قیمت سهام در بورس توکیو

مهدی تقوی

بر بورس اوراق بهادار بطور کلی اثر می‌گذارد. عامل دوم «مخاطره بازار» خوانده می‌شود. حرکت شاخصها در بورس اوراق بهادار معرف این مخاطره است.

قراردادهای آتی بر اساس شاخص قیمتها در بورس در سوم سپتامبر ۱۹۸۸ در معاملات روی سهام با اختیار خرید* بر اساس شاخصهای بورس، انتظار می‌رود که در سال ۱۹۸۹ در ژاپن کاهش یابد. هر دو این قراردادها و معاملات بعنوان ابزار بیمه کننده در مقابل مخاطره بازار که نمی‌توان آنرا از طریق پراکنده سازی سرمایه گذاری در سبد سهام بطور کامل پوشانید توسعه یافتند.

شاخصهای بورس نه تنها بعنوان معیاری مهم برای تصمیم گیری در مورد سرمایه گذاری روی یک سهم خاص، بلکه بعنوان شاخصهای اقتصادی کلی بطور وسیع بکار گرفته می‌شود.

ویژگیهای شاخص بورس توکیو

۱- جامعیت - شاخص بورس توکیو در برگیرنده بخش اول سهام فهرست شده است و معیاری جامعتر از تغییرات در قیمت سهام را در مقایسه با شاخص براساس نمونهای از سهام، بدست می‌دهد.

بورس اوراق بهادار توکیو برای سهام ژاپنی تقسیم می‌شود: بطور کلی سهامی که جدیداً وارد بورس می‌شود، در بخش دوم منظور می‌گردد و سهام مورد معامله در این بخش در آخر هر سال بررسی می‌شود تا مشخص گردد که آیا می‌تواند وارد بخش

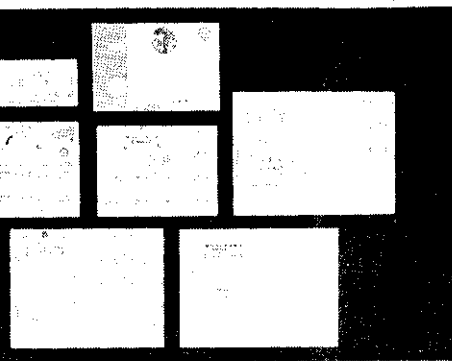
از ژوئیه سال ۱۹۶۹ بورس اوراق بهادار توکیو، شاخص قیمت سهام را محاسبه و بعنوان مقیاسی جامع برای اندازه گیری روند بازار انتشار داده است. این شاخص که TOPIX خوانده می‌شود با ارزش بازار سهام، همانند سایر بورسهای عمده دنیا، وزن داده می‌شود. در این مقاله می‌خواهیم این شاخص را که مورد استفاده زیادی دارد، توضیح دهیم و شمارا با آن آشنا سازیم. □

نقطه آغاز مشترک برای سرمایه گذاران، مدنظر داشتن قیمت سهام است.

قیمت یک سهم را دو نوع از عوامل مشخص می‌کند: یکی عواملی است که آن سهم خاص را تحت تأثیر قرار می‌دهد و دومی عواملی است که

*Market Risk ** Options

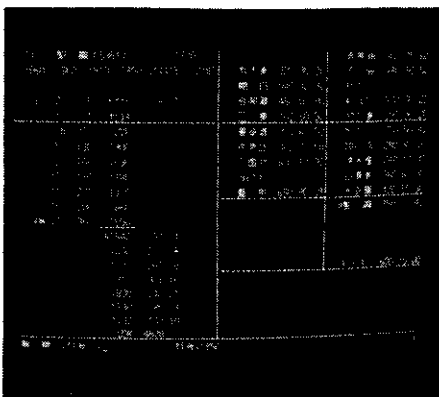
توسعه یافتند



اول شود یا خیر. در صورتی که نتیجه ارزیابی مثبت باشد، این بخش دوم به بخش اول انتقال می‌یابد. از طرف دیگر، در صورتی که در مورد برخی از سهام بخش اول، معیارهای بورس صدق نکند، این سهام به بخش دوم انتقال می‌یابد. به عبارت ساده تر بخش اول، بازار سهام شرکتهای بزرگ و بخش دوم بازار سهام شرکتهای کوچک یا تازه وارد بورس شده است. در حال حاضر، سهام ۱۱۳۰ شرکت در بخش اول و سهام ۴۴۰ شرکت در بخش دوم قرار دارد.

۲- وزن

شاخص بورس توکیو یک شاخص موزون است که در آن قیمت هر سهم در تعداد سهم ارائه شده سال هفتم شماره سوم و چهارم



سهام یا تعداد سهام تغییر کند. اگر فردی علاقه‌مند به پیگیری تغییر در ارزش بازار، برای مثال با هدف «ارزش‌داری»^{*} سرمایه‌گذاری در سهام باشد، برای او این مسئله که قیمت تغییر کند یا تعداد سهام تفاوتی نمی‌کند، آنچه مهم است تغییر در ارزش مجموعه سهامی است که در اختیار دارد.

اما اگر هدف فرد، مشاهده عملکرد مجموعه سهام در طی دوره زمانی خاصی باشد، تغییر در قیمت سهم باید مستقل از اثر تغییر در تعداد سهام، مشخص گردد

TOKYO STOCK EXCHANGE



۲- چگونه عملکرد را اندازه می‌گیریم؟

فرض کنید که ۱۰۰۰ سهم را با قیمت هر سهم ۱۰۰۰ یکن در یک روز خاص (تاریخ پایه) خریداری کرده‌ایم. ارزش‌داری ما (که برابر ارزش بازار است) در این تاریخ یک میلیون یکن می‌باشد. امروز قیمت این سهم ۳۰۰۰ یکن است و سهام ما دارای ارزش بازار ۳۰۰۰۰۰۰ یکن می‌باشد. برای بیان این افزایش ارزش سرمایه‌گذاری بشکل شاخص، لازم است که یک شاخص پایه برای تاریخ پایه مشخص کنیم. فرض کنید این شاخص پایه ۱۰۰ است. شاخص جاری را می‌توانیم با استفاده از فرمول زیر بدست آوریم:

ارزش بازار جاری

تعداد در تاریخ پایه X

ارزش بازار در تاریخ پایه

شاخص جاری برای این مجموعه از سهام ۳۰۰ است. حال اگر ما ۱۰۰ سهم دیگر به قیمت ۳۰۰۰ یکن خریداری کنیم، شاخص جاری چه تعداد خواهد شد؟

حال ارزش بازار مجموعه سهام ما به میزان ۳۳۰۰۰۰۰ یکن افزایش یافته و برابر ۳۳۰۰۰۰۰ یکن است. اما باید توجه کنیم که مقدار اضافی بخاطر افزایش در قیمت سهم نبوده، بلکه ناشی از سرمایه‌گذاری اضافی است. چون هدف ما مشخص کردن اثر قیمت سهام بر مجموعه سرمایه‌گذاری است، این مقدار اضافی نقشی در شاخص بازی نمی‌کند. پس شاخص ما همان ۳۰۰ است. فرمول بالا را چگونه باید اصلاح کنیم؟

ارزش بازار جاری ۳۳۰۰۰۰۰ یکن است. از این

ورق بزنید

*Asset value

جامع، موزون و در دسترس است، مناسبترین معیار برای ارزیابی عملکرد یک سبد سهام است.

چگونه شاخص محاسبه می‌شود؟

۱- کلیات

چون شاخص با ارزش بازار موزون می‌شود، مشخص‌کننده روند قیمت در بخش اول از طریق تغییرات در ارزشهای بازار است. ارزش بازار حاصلضرب قیمت سهم، ضربدر تعداد سهام مورد معامله است. جمع کل ارزش بازار سهام بخش اول، جمع ارزش بازار تمامی سهام در این بخش است.

چون ارزش بازار با ضرب قیمت سهام در تعداد سهام بدست می‌آید، می‌تواند در اثر تغییر قیمت

ضرب می‌شود. بدین ترتیب، تغییر قیمت سهام یک شرکت بزرگ بیش از تغییر در قیمت سهام یک شرکت کوچک، شاخص را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

۳- در دسترس بودن

شاخص از طریق سیستم اطلاعات بازار بورس در هر دقیقه محاسبه و به شرکتها در ژاپن گزارش می‌گردد و از طریق شبکه اطلاعات کامپیوتری به سراسر جهان اعلام می‌شود.

۴- مناسبترین معیار است.

چون شاخص قیمت بورس توکیو شاخصی

شاخص قیمت سهام در بورس توکیو

سرمایه‌گذاری اضافی ۳۰۰۰۰۰ یین (Z) با
عکس شاخص ارزش روز
قبل $\frac{V_0}{V_1}$ یعنی $\frac{۱۰۰}{۳۰۰}$ اصلاح می‌گردد.

این بدین معنی است که برای مشخص کردن
ارزش بازار جدید در تاریخ پایه، افزایش
۳۰۰۰۰۰ یینی، در تاریخ پایه ۱۰۰۰۰۰ یین
بحساب می‌آید.

انتشار سهام به منظور سرمایه‌گذاری (سهام
جایزه) و سود سهام، نیازمند تعدیل نیست.
فرمول برای تعدیل عبارتست از:

$$\frac{\text{ارزش جدید بازار}}{\text{ارزش قدیم بازار}} = X \frac{\text{ارزش بازار قدیم پایه}}{\text{ارزش بازار جدید پایه}}$$

۴- مثالی از تعدیل

فرض کنید که در ۱۰ ژانویه سالی، ارزش بازار
پایه و ارزش بازار جاری ۳۰ هزار میلیارد و ۳۰۰
هزار میلیارد یین باشد، بنابراین شاخص روز
۱۰۰۰ است:

$$X = \frac{۳۰۰ \text{ هزار میلیارد}}{۳۰ \text{ هزار میلیارد}} = ۱۰۰$$

در ۱۱ ژانویه، شرکت XYZ ۳ میلیون سهم
اضافی انتشار داده است و برای فروش وارد
بورس می‌کند. قیمت روز قبل سهام شرکت
۱۰۰۰ یین بوده است. ارزش بازار در ۱۱ ژانویه
به میزان ۳ میلیارد یین افزایش می‌یابد (۳ میلیون
 $X ۱۰۰۰$ یین) و بالغ بر $۳۰۰/۰۰۳$ هزار میلیارد
یین می‌شود که ارزش جدید بازار است.
بنابراین خواهیم داشت:

$$\frac{۳۰۰ \text{ هزار میلیارد}}{۳۰ \text{ هزار میلیارد}} = X \frac{۳۰۰/۰۰۳ \text{ هزار میلیارد}}{۳۰ \text{ هزار میلیارد}}$$

شاخصهای فرعی بورس توکیو

علاوه بر شاخص اصلی که تمامی سهام عادی
فهرست شده در بورس بخش اول را در بر می‌گیرد،
بورس شاخصهای فرعی، برای ۲۸ صنعت و ۳
شاخص برای شرکتهای بزرگ، متوسط و کوچک
محاسبه و انتشار می‌دهد علاوه بر این بورس
شاخصهای مرکب که شاخص قیمت سهام بخش
دوم است، ارائه می‌دهد که در برگیرنده تمام
سهام عادی فهرست شده، در بخش دوم است.
روش محاسبه این شاخصها مشابه روش محاسبه
شاخص اصلی است. شاخصهای فرعی عبارت
است از:

۱- شاخص فرعی برحسب صنعت

سال هفتم شماره سوم و چهارم

۳- شاخص بورس توکیو

شاخص با برداشت و فرمولی مشابه مثال ساده
بالا محاسبه می‌شود برای محاسبه آن، کل ارزش
بازار در تاریخ پایه (ارزش بازار پایه) در مخرج
کسر و کل ارزش بازار جاری در صورت کسر قرار
می‌گیرد و سپس در ۱۰۰ ضرب می‌شود. فرمول
شاخص عبارت از:

$$\text{ارزش بازار جاری} = X ۱۰۰ = \text{شاخص جاری}$$

ارزش بازار پایه

تعدیل در ارزش بازار پایه بشکلی مشابه مثال
فوق صورت می‌گیرد.

بدین ترتیب، فعالیتهای شرکت که بر ارزش
بازار جاری اثر می‌گذارد، باعث تعدیل در ارزش
بازار پایه می‌گردد. همچنین هنگامی که سهام
ارائه شده شرکت به بورس تغییر می‌کند، تعدیل
ضروری است.

بطور خلاصه در موارد زیر باید تعدیل انجام
گیرد:

الف- ارائه سهام جدید*
ب- انتقال سهم از بخش دوم به بخش اول
و برعکس

پ- خرج شدن سهام از فهرست بورس
ت- ارائه سهام به افراد خاص برای خرید
ث- فروش عمومی
ج- ارائه خصوصی سهام XX
چ- ادغام
ح- اعمال برگ خرید سهام
خ- تبدیل اوراق قرضه یا سهام ممتاز به سهام
عادی

در صورتی که فعالیتهای شرکت تغییری در ارزش
بازار سهام شرکت ایجاد نکنند، تعدیل در ارزش
بازار پایه ضروری نیست. بنابراین تقسیم سهام،

* New listing X X Private Placement

گذشته می‌دانیم که شاخص ۳۰۰ است. بنابراین
باید ارزش بازار در تاریخ پایه را برای برابر
ساختن دو طرف معادله تغییر دهیم:

$$X ۱۰۰ = ۳۰۰ = \frac{۳۱۳۰۰/۰۰۰}{۳۰۰}$$

ارزش جدید بازار در تاریخ پایه

ارزش جدید بازار در تاریخ پایه $۱/۱۰۰/۰۰۰$
است. به عبارت دیگر، سرمایه‌گذاری اضافی امروز
به ارزش ۳۰۰۰۰۰ یین، به ارزش تاریخ پایه
۱۰۰۰۰۰ یین در نظر گرفته می‌شود. این تعدیل
در ارزش بازار در تاریخ پایه با این فرض صورت
می‌گیرد که سرمایه‌گذاری اضافی ما در تاریخ پایه
۱۰۰۰۰۰ یین ارزش داشته است و بخاطر افزایش
قیمت ما آنرا ۳۰۰۰۰۰ یین خریداری کرده‌ایم.

برای فرموله کردن بحث بالا، معادله زیر می‌تواند
به ما کمک کند:

$$\frac{V_1}{V_0} = \frac{V_1 + Z}{X}$$

که در آن
 V_1 = ارزش جاری بازار
 V_0 = ارزش بازار در تاریخ پایه
Z = افزایش در کل ارزش بازار ناشی از عواملی
بجز نوسانات قیمت بازار
X = ارزش بازار جدید در تاریخ پایه
این معادله را می‌توانیم بشکل زیر در آوریم:

$$X = V_0 \times \frac{V_1 + Z}{V_1} \\ = V_0 \left(1 + \frac{Z}{V_1} \right) \\ = V_0 + \frac{V_0}{V_1} Z$$

چنانکه ملاحظه می‌شود در این معادله



مقسوم علیه تعداد سهامی است که قیمت آنها در نظر گرفته شده است یعنی ۲۲۵. شاخص دیگری که مورد استفاده قرار می‌گیرد، ضریب داو است:

متوسط بر اساس فرمول داو = ضریب داو

$$\frac{\text{میانگین ساده } ۲۲۵ \text{ سهم}}{\text{کل قیمت‌ها}} = \text{مقسوم علیه جدید } ۲۲۵$$

$$\frac{\text{مقسوم علیه جدید}}{\text{کل قیمت‌ها}} = ۲۲۵$$

مقسوم علیه جدید، کل تعداد سهام جدید در نظر گرفته شده است ضریب داو، برای دسامبر ۱۹۸۸، ۲۱۸۶۸ است

۳- تولد شاخص بورس توکیو

در اول ژوئیه ۱۹۶۹، بورس توکیو محاسبه شاخص بر اساس فرمول داو را کنار گذاشت شاخص جدیدی را جایگزین آن نمود. دلایل این جایگزینی عبارت است از:

- ۱- اشتباه کردن این متوسط با متوسط حقیقی قیمت‌ها
- ۲- وزن نداشتن متوسط محاسبه شده
- ۳- تعداد سهام مورد نظر از سال ۱۹۴۹ ثابت باقی مانده بود. □

جونز* معروف گشت واز آن برای محاسبه متوسط صنعتی داو-جونز استفاده می‌گردید. شاخص بر اساس فرمول داو در ژاپن نیز وجود دارد. در دهه ۱۹۵۰، شاخص قیمتی که در آن وزن، شاخص ارزش است، در ایالات متحد آمریکا محاسبه شد. از آن تاریخ به بعد، تمامی بازارهای جهان از چنین شاخصی استفاده می‌کنند در ژاپن بورس اوراق بهادار توکیو، شاخص وزن داده شده با ارزش را محاسبه می‌کند.

۲- قبل از متوسط محاسبه شده بر اساس فرمول داو

قبل از ژوئیه ۱۹۶۹، یعنی زمان تولد شاخص بورس توکیو، این بورس، متوسط قیمت سهام را بر اساس فرمول داو محاسبه می‌کرد.

از آن تاریخ به بعد، این متوسط بوسیله یک روزنامه مالی ژاپنی محاسبه می‌شود. در تاریخ آخر دسامبر سال ۱۹۸۸ این متوسط برابر ۳۰۱۵۹ یین بود، اما این عدد یک عدد تئوریک است و باید از متوسط حقیقی قیمت بازار متمایز گردد.

عدد ۳۰۱۵۹ بدین معنی است که اگر فرض کنیم فردی یکی از ۲۲۵ سهم ارائه شده در بورس توکیو را در مثلاً ۱۶ ماه مه ۱۹۴۹ خریداری کند و آنرا تا دسامبر ۱۹۸۸ نگاه داشته باشد، قیمت آن مثلاً از ۱۷۶/۲۱ یین (در زمان خرید) حال به ۳۰۱۵۹ یین افزایش یافته است. فرمول مورد استفاده برای محاسبه این متوسط عبارتست از:

$$\frac{\text{جمع قیمت } ۲۲۵ \text{ سهم}}{\text{مقسوم علیه}} = \text{متوسط}$$

ماهگیری و جنگل، معادن، ساختمان، مواد غذایی، منسوجات، کاغذ، مواد شیمیایی، نفت و محصولات زغال سنگ، لاستیک، شیشه و سرامیک، آهن و فولاد، فلزات غیر آهن، محصولات فلزی، ماشین آلات، وسایل برقی، وسایل حمل و نقل، ابزار دقیق، سایر محصولات، بازرگانی، مالی و بیمه، املاک، حمل و نقل زمینی، حمل و نقل دریایی، حمل و نقل هوایی، انبار، ارتباطات، نیروی برق و گاز و خدمات

۲- شاخص فرعی بر حسب اندازه شرکتها

شرکتهای بزرگ- سهام شرکتها با ۲۰۰ میلیون یا بیشتر سهم
شرکتهای متوسط- سهام شرکتها با ۶۰ تا ۲۰۰ میلیون سهم
شرکتهای کوچک- سهام شرکتها با کمتر از ۶۰ میلیون سهم

تحول شاخص قیمت سهام وتولد شاخص بورس توکیو

۱- تحول شاخصهای قیمت سهام

اولین بار شاخص قیمت سهام در سال ۱۸۸۴ در آمریکا محاسبه شد. این شاخص میانگین حسابی ساده محاسبه شده با جمع قیمت سهام و تقسیم آن بر تعداد سهام بود.

سپس به جهت کمبودهای این شاخص، شاخص جدیدی بکار گرفته شد که در آن مسئله تقسیم سهام نیز منظور می‌گردید. در سال ۱۹۲۸، شاخصی جدیدتر بوجود آمد که برای محاسبه آن که نهایتاً به شاخص داو-

* Daw Jones

به قلم: مورتون. ب. سولومون وجو. آر. کوپر

ترجمه: غلامحسین دوانی

گزارش کنترل‌های داخلی:

مجموعه مقررات پیشنهادی کمیسیون

اوراق بهادار و بورس

«SEC»

با اعمال مجموعه مقررات فوق، تغییرات

اساسی در گزارشگری و حسابرسی بوجود

خواهد آمد.

حسابداری نقطه‌نظرات اعلام شده کمیسیون مزبور را پذیرفت. کمیسیون اوراق بهادار و بورس در این هنگام اولین پیشنهاد خود را دایر بر لزوم گزارش مدیریت ارائه کرد. پیشنهاد مجموعه مقررات کمیسیون مزبور- کمیسیون کوهن- در سال ۱۹۷۹ که به نام «بیانیه مدیریت در خصوص کنترل‌های داخلی حسابداری» شناخته شد درصدد بود که مسئولیت گزارشی مدیریت را افزایش دهد و حساب‌برسان را ملزم سازد تا نقش نظاره‌گری خود را ارتقا دهند. اما کمیسیون اوراق بهادار و بورس پیشنهاد خود را پس گرفت و اعلام نمود بخش خصوصی باید مجاز به فعالیت با اصول اولیه ابداعی خود در این زمینه باشد.

برنامه‌ریزی کمیسیون مزبور بدین‌قرار بود که اصول ابداعی مؤسسات خصوصی را جمع‌آوری و متمرکز کند و نیاز به الزاماتی در این رابطه را در مراحل بعدی مورد ملاحظه قرار دهد.

در سال ۱۹۸۷ کمیسیون ملی گزارش‌های مالی ساختگی- کمیسیون تردوی- توصیه کرد که مدیریت در گزارش سالانه شرکت، مسئولیت مدیریتی خود را در قبال صورتهای مالی و کنترل‌های داخلی اعلام کند و تشریح نماید که چگونه و از چه طریقی به این تعهدات جامه عمل می‌پوشاند و از طرف دیگر ارزیابی مدیریت از کارآئی و تأثیر کنترل‌های داخلی شرکت ابراز سال هفتم شماره سوم و چهارم

و حساب‌برسان و همچنین قانونگذاران و مسئولین وضع مقررات، استفاده از گزارش‌های مدیریت را همیشه توصیه کرده واز آن حمایت نموده‌اند. با مشاهده موارد قابل ملاحظه گزارش‌های مالی ساختگی و ناتوانی در انجام دادن رسیدگی‌های حسابرسی، یک احساس قوی برای اعمال تغییرات اوج می‌گیرد. بحران اخیر وام‌ها و پس‌اندازها نیز در کاهش درجه اعتماد عموم به گزارش‌های مالی مزید بر علت شده است.

این مقاله نظریات موافق و مخالف مجموعه مقررات پیشنهادی کمیسیون بورس اوراق بهادار، مسئولیت‌های فعلی کنترل‌های داخلی و تغییراتی که شرکت‌های سهامی عام و حساب‌برسان این‌گونه شرکتها در پرتو قوانین جدید با آنها روبرو خواهند شد را به بحث میگذارد.

مدخل بحث و سابقه امر

پیشنهاد‌های مربوط به گزارش مدیریت حداقل به سال ۱۹۷۸ بازمی‌گردد. در آن هنگام کمیسیون اوراق بهادار و بورس در خصوص مسئولیت‌های حساب‌برسان- کمیسیون کوهن- نقطه‌نظراتش را اعلام نموده بود یک سال بعد کمیته ویژه راهنمای منتخب انجمن حسابداران خیره آمریکا در مورد کنترل‌های داخلی

اگر کمیسیون اوراق بهادار و بورس پیشنهاد قانونی سال ۱۹۸۸ خود را در خصوص «گزارش مسئولیت‌های مدیریتی» لازم‌الاجرا نماید، بسیاری از شرکت‌های سهامی عام ملزم خواهند بود که ساختار کنترل‌های داخلی خود را مورد تقویم و ارزیابی قرار دهند و نتیجه کار را با اطلاع عموم برسانند. چنین اطلاعی‌های که به «گزارش مدیریت» موسوم است، شامل این ارزیابی و همچنین شامل پاسخ‌های شرکت به سئوالات و توصیه‌های مهم کنترل‌های داخلی که توسط حساب‌برسان داخلی و مستقل شرکت مطرح می‌شود نیز خواهد بود.

اگر چه ممکن است زمان شروع اعمال این مجموعه مقررات فرا رسیده باشد، ولی نظریه گزارش‌های مدیریت ایده جدیدی نیست. بالغ بر ده سال است که تهیه کنندگان صورتهای مالی

گردد. در همین راستا نظریه گزارش مدیریت مجدداً شکل گرفت. اما کمیسیون تردوی تغییراتی را در خصوص استانداردهای حسابرسی که از آن طریق حسابرسان موظف باشند اظهارنظرات خود را در مورد گزارش مدیریت اعلام دارند، وضع نمود.

الزام به ارائه گزارش مدیریت در برخی از قوانین پیشنهادی نیز مشاهده می‌گردد. بعنوان مثال اداره حسابداری کل پیشنهاد کرد که برای آزادسازی ضمانت‌نامه‌های شرکتها در سال ۱۹۸۹ لازم است که مدیریت و حسابرسان گزارشی در خصوص کنترلهای داخلی و تطبیق آنها با قوانین مربوط و همچنین صحت فعالیت مؤسساتی که توسط دولت بیمه شده‌اند را ارائه نمایند. با این وصف لایحه‌نهایی قانونی این الزام را شامل نگردید.

کنترلهای داخلی چیست؟

یک روش قابل قبول در رابطه با چگونگی گزارش کنترلهای داخلی مقرر می‌دارد که یک تعریف ثابت و یکسانی از کنترلهای داخلی و همچنین یک ضابطه و ابزار مشخص مشترکی

برای ارزیابی این کنترلهای باید وجود داشته باشد. بدیهی است هر دوی این عوامل باید به نحوی مطرح شوند که مراحل گزارشگری و انجام آن مفید و موثر قلمداد شوند. علیهذا در حال حاضر سه روش عمل در این رابطه وجود دارد.

۱- تعریف بسیط

کمیسیون تردوی به این نتیجه‌گیری رسیده است که کنترلهای داخلی باید فراتر از کنترلهای حسابداری نیز عمل کند.

طبق قانونی که در ۱۹۷۷ تصویب شد کنترلهای حسابداری الزامی گردید ولی کنترلهای داخلی حتی به میزان وسیع‌تر از کنترلهای داخلی مصوب این قانون الزامی است برای کاهش دادن موارد گزارشهای مالی ساختگی، نشریه «راهنمای کنترلهای داخلی» منتشر شده در ماه مه ۱۹۸۹ که به وسیله انجمن ملی حسابداران منتشر گردیده است مفهوم کنترلهای داخلی را فراتر از کنترلهای سنتی حسابداری دانسته و آن را شامل کنترلهای مدیریت و عملیات نیز ذکر کرده است. نویسندگان این مقاله مدعی

است که هر سه عامل فوق در کشف موارد ساختگی در گزارشهای مالی به یکسان اهمیت دارند.

۲- وضعیت کنونی

شرکتهای سهامی عام که اکنون گزارش مدیریت را در گزارش سالانه خود می‌گنجانند، عموماً با چنین نقطه نظر وسیع گزارشی موافق نیستند. مدیریت غالباً کنترلهای داخلی را آن کنترلهایی میدانند که اساساً کنترلهای حسابداری- در جهت تطبیق کارها با قوانین مصوب بکار گرفته شوند. گزارشهای فعلی مدیریت از کنترلهای داخلی هیچگونه اشارهای به کنترلهای مدیریتی و عملیاتی ندارد.

۳- نقطه نظرات حسابرسان:

بیانیه استانداردهای حسابرسی شماره ۵۵ تحت عنوان «رسیدگی به ساختار کنترلهای داخلی در یک حسابرسی صورتهای مالی» عوامل ساختار کنترلهای داخلی یک واحد تجاری را ورق‌بزنید

Account	Debit	Credit	Balance	Account	Debit	Credit	Balance
1010000	1000000		1000000	1010000	1000000		1000000
1020000	2000000		2000000	1020000	2000000		2000000
1030000	3000000		3000000	1030000	3000000		3000000
1040000	4000000		4000000	1040000	4000000		4000000
1050000	5000000		5000000	1050000	5000000		5000000
1060000	6000000		6000000	1060000	6000000		6000000
1070000	7000000		7000000	1070000	7000000		7000000
1080000	8000000		8000000	1080000	8000000		8000000
1090000	9000000		9000000	1090000	9000000		9000000
1100000	10000000		10000000	1100000	10000000		10000000



شامل کنترل محیط و روشهای کنترل و سیستمهای حسابداری می‌داند. این عوامل به ویژه کنترل محیط بعضی از کنترل‌های مدیریتی و عملیاتی شرکت را علاوه بر کنترل‌های حسابداری در بر می‌گیرد. علیهذا بیانیه استانداردهای حسابرسی، حسابرس را فقط ملزم به ملحوظ نظر داشتن آن سری از کنترل‌هایی نموده است که رسیدگی به همان منظور انجام میشود. این بیانیه همچنین می‌افزاید که تاکید حسابرسی نباید بر آن اساس باشد که کدام گروه از کنترلها برای شرکت مناسب است بلکه باید رسیدگی شود که آن سیاست یا روش خاص در ارزیابی صورتهای مالی تأثیر منفی دارد یا خیر.

پیشنهاد کمیسیون بورس اوراق بهادار و بورس

در سال ۱۹۸۸ کمیسیون اوراق بهادار و بورس مجدداً به موضوع گزارشهای مدیریت ارجاع شد. جدیدترین پیشنهاد کمیسیون مزبور شرکتها را ملزم می‌سازد که یکی از سه گزارش زیر را تهیه و ارائه نمایند.

الف- ارزیابی مدیریت از کارآیی و تاثیر ساختار کنترل‌های داخلی در پایان آخرین سال مالی

ب- جوابیه مدیریت به توصیه‌های مهم حسابرسان داخلی و مستقل در خصوص ساختار کنترل‌های داخلی. پیشنهاد کمیسیون یاد شده «توصیه‌های مهم» را به عنوان «شرایط قابل گزارش» در بیانیه استانداردهای حسابرسی شماره ۶۰ تحت عنوان «موضوعات مشاهده شده در حسابرسی در ارتباط با ساختار کنترل‌های داخلی» تعریف می‌کند آن را از موضوعاتی که به طور معمول در نامه مدیریت عنوان می‌شود می‌داند.

ج- تصدیق مدیریت در قبال مسئولیتش در مقابل صورتهای مالی و تطبیق آنها با اصول حسابداری مورد قبول و ایجاد و حفظ و نگهداری سیستم کنترل‌های داخلی مربوط به گزارشهای مالی

کمیسیون مزبور همچنین خواسته است که نقطه نظرات را در خصوص مطلوبیت این مسئله که حسابرسان مستقل نیز ملزم باشند تا چنین ارزیابی مدیریت را گواهی و تصدیق نمایند، اعلام کنند. اما شرط الزام گواهی حسابرسان مستقل را در پیش نویس مجموعه مقررات خود نگنجانده است.

واکنش در قبال پیشنهاد مزبور چگونه بود؟

اگرچه برخی الزاماتی که براساس پیشنهاد

مزبور مطرح شده بود با استقبال وسیعی از طرف مفسران روبرو شد، اما پارهای دیگر از الزامات اعلام شده قاطعانه رد گردید. مثلاً عموم مفسران این قانون از شرط تصدیق مدیریت در قبال مسئولیت‌هایش در جهت تهیه صورتهای مالی بر مبنای اصول مورد قبول حسابداران و ایجاد و نگهداری یک سیستم کنترل داخلی حمایت کردند. از طرف دیگر، کمتر از نیمی از آنان با این شرط که مدیریت باید کارآیی ساختار کنترل داخلی را مورد ارزیابی قرار دهد، موافق بودند، در حالی که اکثریت قاطعی مخالف پیشنهاد لزوم ارسال پاسخ مدیریت به توصیه‌های حسابرسان مستقل و داخلی بودند.

مدافعان نظریه اخیر قاطعانه با الزام اینکه حسابرس باید ادعاهای مدیریت مندرج در گزارش مدیریت را گواهی و تصدیق نماید مخالفت داشتند. مفسران در این میان خواستار توضیحات بیشتری از کمیسیون اوراق بهادار و بورس در خصوص اینکه آیا کنترل‌های اعمالی روی گزارشهای دورهای نیز در گزارشهای مدیریت قرار می‌گیرد یا خیر، خواستار شدند. مدافعان گزارش مدیریت معتقدند که چنین شیوه‌ای به بهبود وضعیت کنترل‌های داخلی شرکت منجر می‌گردد. با وجود این، بعضی‌ها این نظر را اعلام داشتند که درک عمومی از چنین بهبود وضعی وابسته و متکی به گواهی و تصدیق حسابرسان میشود. علیرغم این نظرات ضدونقیض، بنظر میرسد که کمیسیون اوراق بهادار و بورس، مجموعه مقررات را به همان صورتی که نوشته شده وضع نماید. بدیهی است کسانی که این مجموعه مقررات را مورد استفاده قرار می‌دهند، باید به تضادهایی که این مجموعه مقررات پیش خواهد آورد، آگاهی و هوشیاری داشته باشند.

ضوابطی ثابت و یکسان برای ارزیابی

انتقادهایی که به پیشنهاد اخیر کمیسیون اوراق بهادار و بورس وارد گردیده، موجب شده است که این مسئله مطرح شود که هیچ ضابطه یکسان و یکنواختی برای ارزیابی کارآیی کنترل‌های داخلی یک شرکت ایجاد نگردیده است.

کمیسیون مزبور از این مسئله کاملاً مطلع است که کمیت‌های سازمان‌های تحت الحمايه کمیسیون تردوی بررسی ضوابطی را برای ارزیابی کارآیی سیستم‌های کنترل داخلی شروع کرده و نتیجه‌گیری نموده است که چنین ضوابطی در حال حاضر وجود ندارد و قبل از اینکه منطقاً بتوان از مدیران انتظار دریافت ارزیابی

سیستم‌های کنترل داخلی را به نحوی که با ارزیابی سایر شرکتها یکسان باشد را داشته باشیم تدوین ضوابط مزبور ضرورت دارد.

در پیگیری این موضوع بنیاد تحقیقاتی مدیریت‌های مالی از افراد و سازمان‌های علاقمند درخواست نمود که ضوابطی برای ایجاد و ارزیابی کنترل‌های داخلی و راهنمایی‌هایی برای بکارگیری آنها تهیه و به بنیاد پیشنهاد نمایند.

پیشنهاد بنیاد تحقیقاتی مذکور تعریفی از کنترل داخلی بعمل آورد که دربرگیرنده کنترل‌های حسابداری مدیریت و عملیات بود. بنیاد مزبور مؤسسه حسابرسی کوپرز و لیبراند را در این رابطه فراخواند. نتیجه تحقیقات کوپرز و لیبراند باید در حوالی اول نوامبر سال ۱۹۹۰ آماده باشد. بسیاری از تهیه کنندگان گزارشهای مدیریت و حسابرسان آنها انتظار دارند که بتوانند به راهنمایی‌های منتج از این تحقیقات در ارزیابی کارآیی ساختار کنترل‌های داخلی‌شان بپردازند. البته کمیسیون اوراق بهادار و بورس احتمالاً راهنمایی‌های بنیاد تحقیقاتی مدیریت‌های مالی را در نسخه نهایی مجموعه قوانین قرار خواهد داد.

درگیریهایی بعدی

شرکتهای سهامی عام قانوناً موظفند که یک سیستم کنترل داخلی کارآمد و موثر را دارا باشند. طبق قانون چنین سیستمی باید به نحوی تنظیم شود که احتساب‌پذیری و محافظت از داراییها و همچنین، مجاز بودن و ثبت معاملات را دربرداشته باشد همان طور که قبلاً خاطر نشان گردید گزارشهای فعلی مدیریت اغلب مسئولتهایی را که به موازات الزامات انجمن حسابداران خبره ایالتی برای آنها متصور است، اعلام می‌دارد. امروزه از هر چهار شرکت سهامی عام فقط یک شرکت گزارش مدیریت خود را بانضمام گزارش سالانه تقدیم می‌دارد. بنابراین، اگر کمیسیون اوراق بهادار و بورس به مجموعه قوانین گزارش مدیریت جنبه قانونی بدهد، مراحل تهیه گزارشهای مالی در اکثر شرکتهای سهامی عام تحت تاثیر قرار خواهد گرفت.

اگر چه پیشنهاد کمیسیون اوراق بهادار و بورس، مدارک لازم و خاصی را عنوان نکرده است، ولیکن مدیریت شرکتها احتمالاً اسناد اضافی در حمایت از تأیید خود برای کمیسیون فراهم می‌آورند و ارسال می‌دارند. این بدان معناست که اسناد و مدارک مربوطه به رویه و سیاست شرکت باید به نحوی مورد تجدید نظر، اصلاح یا تکمیل قرار گیرد. بدیهی است چنانچه تأییدیه مدیریت مورد رسیدگی حسابرسان یا کمیسیون اوراق بهادار و بورس قرار گیرد، مدیریت به اسناد و مدارک مذکور در فوق

نیازمند خواهد بود. تعداد زیادی از شرکتها معتقدند که هزینه اضافی تهیه چنین اسنادی تأثیر نامساعدی روی سود اضافی خواهد داشت. این نظریه البته برای شرکتهای سهامی عام کوچک و یا متوسط واقعیت دارد.

تأثیرات احتمالی بر حسابرسان

هیات استانداردهای حسابرسی انجمن حسابداران خبره آمریکا اخیراً شناسایی مسئولیت حسابرسان را در زمانی که موظف باشند گواهی و تأیید خود را بر تصویب و تأیید مدیریت در آینده اضافه نمایند، آغاز کرده است. نگاهی کوتاه به مسئولیتهای فعلی حسابرسان علت را بیان خواهد کرد. دو اظهار نظر مربوط به این موضوع اضافه بر مندرجات نشریات شماره ۵۵ و ۶۰ بیانیههای استانداردهای حسابرسی وجود دارد: یکی نشریه شماره ۳۰ به نام «گزارشگری کنترلهای داخلی حسابداری» و دیگری نشریه شماره ۸ به نام «سایر اطلاعات مندرج در مدارک منضم به صورتهای مالی حسابرسی شده»

نشریه ۵۵ بیانیه استانداردهای حسابرسی

این بیانیه مسئولیتهای حسابرس مستقل را در جهت رسیدگی به ساختار کنترل داخلی شرکت به عنوان بخشی از وظیفه حسابرسی می‌داند. استانداردهای حسابرسی، حسابرس را موظف می‌دارد که به مفهوم کفایت کنترلهای داخلی یک موجودیت تجاری در برنامریزی حسابرسی دست یابد. در این راستا حسابرس روشهایی را معمول می‌دارد تا براساس آنها سیاستها و رویههای مربوط به هر یک از سه عامل اصلی ساختار کنترل داخلی را بشناسد: کنترل محیط سیستم حسابداری و روشهای کنترلی و دریابد که آیا این سیاستها رویهها در عمل هم پیاده می‌شود یا خیر؟

اما بیانیه شماره ۵۵ حسابرس را ملزم نمی‌کند که کارایی عملیاتی سیاستها و رویههای کنترلی را مورد رسیدگی و آزمایش قرار دهد و فقط هنگامی که وی بخواهد خطرهای کنترلی پایین‌تر از سطح حداکثر را مورد ارزیابی قرار دهد، مسئله غیر از این خواهد بود. بنابراین براساس بیانیه شماره ۵۵ استانداردهای حسابرس مبنای کافی برای ارائه اظهار نظر در مورد تأییدیه مدیریت در رابطه با کارایی سیستم کنترل داخلی ایجاد نگردیده است.

بیانیه شماره ۳۰ استانداردهای حسابرسی به حسابرسان اجازه می‌دهد که اظهار نظر خود را در مورد کفایت سیستم کنترل داخلی جهت تأمین

هدف هیئت مدیره در خصوص جلوگیری یا کشف اشتباهات اساسی یا تقلبات ارائه نماید. با وجود این بیانیه راهنمائیهایی برای حسابرسان در گواهی ارزیابی مدیریت از سیستم کنترلهای داخلی ارائه نکرده است.

در عمل به خاطر هزینه نسبتاً گران و تقاضای اندک شرکتها، گزارشهای بیانیه شماره ۳۰ بندرت در ساختار کنترل داخلی شرکتها منتشر می‌گردد. در عوض این بیانیه برای اعمال کنترل روی جنبه‌های خاصی از عملیات شرکت و در پاسخ به الزامات قانونی یا برحسب شرایط قراردادهای تکثیر و بکار برده می‌شود.

در هنگامی که گزارش مدیریت به انضمام گزارشهای تهیه شده شامل صورتهای مالی، برای مقاضیان ارسال می‌گردد، بیانیه شماره ۸ استفاده می‌شود. تفسیر بیانیه شماره ۸ مشخصاً

به گزارش مدیریت در خصوص کنترلهای داخلی حسابداری اشاره نموده است. این بیانیه حسابرس را موظف می‌نماید که گزارش تهیه شده توسط مدیریت را بخواند و اظهار نظر خود را در مورد عدم هماهنگی، سایر اطلاعاتی که در صورتهای مالی آمده است اعلام دارد. اگر حسابرس به یک مورد غیر واقعی و یا همراه کننده برخورد کند، باید از مدیریت بخواهد که گزارش را مورد تجدیدنظر و اصلاح قرار دهد. چنانچه گزارش مدیریت اصلاح نشود، حسابرس باید اقدامات دیگری را مدنظر قرار دهد، مثلاً گزارش حسابرسی خود را به نحوی اصلاح کند که یک پاراگراف توضیحی در خصوص مورد مزبور در آن بگنجانند و گزارش خود را مشروط یا موضوع رسیدگی به آن گزارش را حذف و اعلام عدم رسیدگی نماید.

آیا شرکتها بهر حال بدنبال تأیید گزارش مدیریت از حسابرسان هستند

بسیاری از مدافعان پیشنهاد کمیسیون اوراق بهادار و بورس معتقدند که آن پیشنهاد متضمن این روح است که حسابرسان می‌توانند اطمینان و خاطر جمعی بیشتری در خصوص آنچه در زمینه کنترلهای داخلی ارائه می‌کنند، در مقایسه با مواردی که از حسابرس در زمینه حسابرسی گزارشهای مالی انتظار می‌رود، ایجاد نمایند. این نظریه می‌گوید: «کمیسیون اعتقاد دارد که هماهنگی و تطبیق مسائل با بیانیههای شماره ۵۵ و ۶۰ به همراه آگاهیها و اطلاعاتی که طی مدت انجام دادن رسیدگیهای حسابرسی بدست می‌آید، به احتمال بسیار باعث خواهد شد که حسابرس مستقل، اطلاعات همراه کننده و غلط

را در گزارش مدیریت که برای کنترلهای داخلی تهیه شده است برآحتی کشف کند. در عین حال از آنجا که حسابرس امکان دارد نتواند کلیه اشتباهات یا موارد گمراه کننده را در گزارش مدیریت کشف نماید، باید در شرایطی قرار گیرد که نقایص عمده برنامه و بسیاری از شرایطی که از آن طریق کمبودهای مهم در عملکرد این گونه شرکتها حادث می‌گردد، را شناسایی کند.

بسیاری از تجزیه و تحلیل کنندگان را عقیده بر این است که پیشنهاد کمیسیون اوراق بهادار و بورس انتقال دهنده این پیام است که اگر حسابرس اعتراضی به دادن گواهی و تصدیق گزارش مدیریت را از طرف خود نداشته باشد، به نوبه خود زمینه‌هایی را برای تأیید تلویحی گزارشها فراهم نموده است.

اگر انتظار ذکر شده در بالا درخصوص مسئولیتهای حسابرس از پیشنهاد کمیسیون مزبور حذف گردد، ممکن است این نتیجه‌گیری برای حسابرسان به دست آید که باید به صراحت نداشتن نیاز به ایجاد اطمینان از گزارش مدیریت به نحوی عنوان گردد.

حسابرسان از طرفی دیگر، پیش‌بینی می‌کنند که تعداد زیادی از مشتریان آنان به اعلام این گونه اطلاعاتی عدم نیاز، اعتراض داشته باشند. بنابراین ممکن است بعضی از مشتریان از حسابرس خود رسیدگی و بررسی ساختار کنترلهای داخلی را به منظور اجتناب از اعلام اطلاعاتی عدم نیاز در گزارشهای حسابرسی خواستار شوند.

اگر کمیسیون چنین الزامی را مقرر ندارد، چرا بعضی از شرکتها معتقدند که تصدیق و تأیید گزارشهای مدیریت توسط حسابرس لازم است؟ شرکتها و مؤسساتی که در حال حاضر، گزارش مدیریت را ضمیمه گزارش سالانه شرکت تهیه و ارائه می‌نمایند، اغلب احساس می‌کنند به تأیید و گواهی حسابرسان در این رابطه، نیازی ندارند.

شرکتها ممکن است تصور کنند که چون کمیسیون یک گزارش مدیریت را الزامی کرده است، پس عموم مردم اهمیت بیشتری برای اطلاعات ارائه شده قائل خواهند شد. به همین علت شرکتها تصور خواهند کرد که احتمالاً بهترست تأیید و گواهی حسابرسان را در باره تأییدیه مدیران از سیستم کنترل داخلی، اخذ نمایند.

به دنبال پیش‌بینی دریافت چنین درخواستهایی از مشتریان هیئت استانداردهای حسابرسی یک استاندارد ویژه تأییدیه تهیه کرده است. انتظار می‌رود راهنمائیهایی در زمینه‌های زیر فراهم آمده باشد.

۱. روشهایی برای انجام دادن کار به نحوی که صدور گزارش را مستند سازد.
۲. زمان ارائه گزارش.
۳. شکل و محتوی گزارش.

گزارش کنترل‌های داخلی

یک استاندارد جدید گواهی و تصدیق

برای تهیه و توسعه استاندارد جدید گواهی و تصدیق هیئت استانداردهای حسابرسی چهارمستله مهم و اساسی را مورد بحث قرار داده است:

آیا حسابرس می‌تواند سطوح رسیدگی و آزمایشها را با هم جهت دستیابی به اطمینان فراهم کند. نکته قابل توجه در بحث هیئت مزبور، این مسئله مشکل و پیچیده بود که چگونه بین روشهای مورد لزوم برای مرور و رسیدگی و روشهای مورد نیاز برای امتحان، تفکیک قائل شد. هیئت استانداردهای حسابرسی موافق است که میزان و محدوده روشهای قابل اجرا در امتحان مدارک باید از روشهایی که برای مرور اسناد و مدارک بکار گرفته می‌شود، بیشتر باشد، اما این مسئله که ماهیت و طبیعت روشهای اجرایی امتحان اسناد و مدارک باید متفاوت باشد، مورد توافق قرار نگرفته است. اگر یک تمایز مشخص بین دو نوع خدمات مزبور را بتوان تعیین کرد، هیئت استانداردهای حسابرسی ممکن است محدودیتهایی برای خدمات مربوط به امتحان مدارک قائل شود.

آیا حسابرسان باید خود را در رسیدگی و بررسی تأییدیه مدیریت در مورد کارایی کنترل‌های داخلی موسسه‌ای که حسابهای مالی آن را مورد حسابرسی قرار می‌دهند درگیر کنند؟ پاسخ هیئت استانداردهای حسابرسی منفی است، اگرچه حسابرس باید اطلاعات فنی مناسب موضوع را اخذ نماید.

اگر گزارش مدیریت فراتر از کنترل‌های حسابداری باشد و کنترل‌های مدیریتی و عملیاتی را نیز در برگیرد، آیا حسابرس موظف است که نظر خود را در خصوص کارایی کنترل‌های مزبور اعلام دارد؟

اگر تأییدیه مدیریت، قابل محاسبه و سنجش باشد و بتوان با ضوابط معینی آن را ارزیابی کرد، استانداردهای گواهی و تصدیق فعلی، حسابرسان را قادر می‌سازد که نظرات خود را در مورد کنترل‌های داخلی به نحوی که شامل زمینه‌های مذکور نیز باشد، بیان و بسط و گسترش دهند. شرط مزبور «اگر» شرط بسیار بزرگی است. عده زیادی تصور می‌کنند، بدین صورت تصدیق کارایی کنترل‌های مدیریتی و عملیاتی با شرایط ذکر شده بیش از اندازه، مشروط و غیرقابل سنجش و محاسبه می‌گردد.

چه موضوعاتی باعث می‌شود که حسابرس یک اظهار نظر غیراستاندارد را براساس رسیدگی‌ها و یا بررسی تأییدیه مدیریت در خصوص کنترل‌های داخلی ارائه نماید؟ براساس دفترچه راهنمای تأییدیه هیئت استانداردهای حسابرسی، شرایط خاصی که حسابرس مجبور به اصلاح گزارش خود می‌شود به شرح ذیل شناسایی شده است:

۱. یک اظهار نظر نادرست و مهم در گزارش مدیریت وجود داشته باشد (مثلاً یک نقطه ضعف مهم افشا نشده باشد)

۲. وجود محدودیتهایی در نقطه نظرات ارائه شده.

۳. اظهار نظری که به شکلی براساس کار انجام یافته توسط یک کارشناس دیگر ارائه گردیده باشد.

۴. ضعف عمده‌ای در ساختار کنترل‌های داخلی پس از تاریخ تهیه گزارش و قبل از انتشار آن بوقوع پیوسته باشد.

در آینده چه اتفاق خواهد افتاد؟

استفاده‌کنندگان از صورتهای مالی حق دارند که اطلاعات قابل اعتمادی را در این صورتهای مشاهده نمایند. این چنین اطلاعاتی عمدتاً وابسته و متکی به کارایی ساختار کنترل‌های داخلی است. کمیسیون اوراق بهادار و بورس مقرراتی را پیشنهاد کرده است که براساس آن، شرکت‌های سهامی عام ملزم باشند ارزیابی مدیریت از کارایی کنترل‌های داخلی شرکت را در گزارشهای سالانه اعلام دارند. کمیسیون مذکور انتظار دارد که این پیشنهاد و الزام ارائه گزارش مدیریت باعث افزایش درجه اعتماد عموم به اطلاعات مالی ارائه شده به آنها شود. گزارشگری مدیریت در خصوص کنترل‌های داخلی ممکن است این نظریه را القاء کند که زمان کدام یک فرا رسیده است؟

این یک مسئله بسیار قدیمی است و هنوز هم مشکلاتی در آن زمینه وجود دارد، ولی توجهات خاصی که برای حل مسئله لازم است بعمل آمده است، این پیشنهاد در شرف شکل‌گیری است.

اما بیانیه شماره ۵۵ حسابرس را ملزم نمی‌کند که کارایی عملیاتی سیاستها و رویه‌های کنترلی را مورد رسیدگی و آزمایش قرار دهد و فقط هنگامی که وی بخواهد خطرهای کنترلی پایین‌تر از سطح حداکثر را مورد ارزیابی قرار دهد، مسئله غیر از این خواهد بود. بنابراین براساس بیانیه شماره ۵۵ استانداردهای حسابرس مبناهای کافی برای ارائه اظهار نظر در مورد تأییدیه مدیریت در رابطه با کارایی سیستم کنترل داخلی ایجاد نگردیده است.

بیانیه شماره ۳۰ استانداردهای حسابرسی به حسابرسان اجازه می‌دهد که اظهار نظر خود را در

مورد کفایت سیستم کنترل داخلی جهت تأمین هدف هیئت مدیره در خصوص جلوگیری یا کشف اشتباهات اساسی یا تقلبات ارائه نماید. با وجود این بیانیه راهنمایی‌هایی برای حسابرسان در گواهی ارزیابی مدیریت از سیستم کنترل‌های داخلی ارائه نکرده است.

در عمل به خاطر هزینه نسبتاً گران و تقاضای اندک شرکتها، گزارشهای بیانیه شماره ۳۰ بندرت در ساختار کنترل داخلی شرکتها منتشر می‌گردد. در عوض این بیانیه برای اعمال کنترل روی جنبه‌های خاصی از عملیات شرکت و در پاسخ به الزامات قانونی یا برحسب شرایط قراردادهای تکثیر و بکار برده می‌شود.

در هنگامی که گزارش مدیریت به انضمام گزارشهای تهیه شده شامل صورتهای مالی و برای متقاضیان ارسال می‌گردد، بیانیه شماره ۸ استفاده می‌شود. تفسیر بیانیه شماره ۸ مشخصاً به گزارش مدیریت در خصوص کنترل‌های داخلی حسابداری اشاره نموده است. این بیانیه حسابرس را موظف می‌نماید که «گزارش تهیه شده توسط مدیریت را بخواند و اظهار نظر خود را در مورد عدم هماهنگی، سایر اطلاعاتی که در صورتهای مالی آمده است اعلام دارد.» اگر حسابرس به یک مورد غیرواقعی و یا همراه‌کننده برخورد کند، باید از مدیریت بخواهد که گزارش را مورد تجدیدنظر و اصلاح قرار دهد. چنانچه گزارش مدیریت اصلاح نشود، حسابرس باید اقدامات دیگری را مدنظر قرار دهد، مثلاً گزارش حسابرسی خود را به نحوی اصلاح کند که یک پاراگراف توضیحی در خصوص مورد مزبور در آن بگنجانند و گزارش خود را مشروط یا موضوع رسیدگی به آن گزارش را حذف و اعلام عدم رسیدگی نماید.

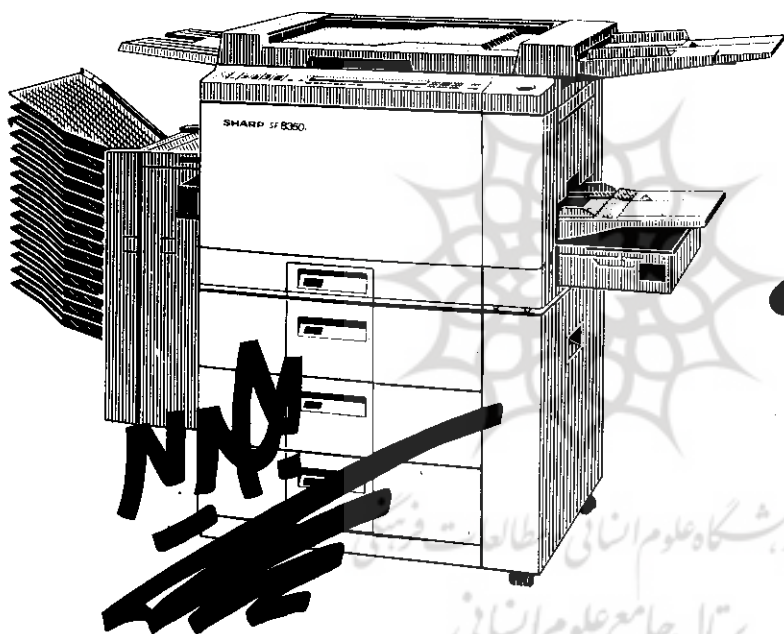
آیا شرکتها بهر حال بدنبال تأیید گزارش مدیریت از حسابرسان هستند؟

بسیاری از مدافعان پیشنهاد کمیسیون اوراق بهادار و بورس معتقدند که آن پیشنهاد متضمن این روح است که حسابرسان می‌توانند اطمینان و خاطر جمعی بیشتری در خصوص آنچه در زمینه کنترل‌های داخلی ارائه می‌کنند، در مقایسه با مواردی که از حسابرس در زمینه حسابرسی گزارشهای مالی انتظار می‌رود، ایجاد نمایند. این نظریه می‌گوید: «کمیسیون اعتقاد دارد که هماهنگی و تطبیق مسائل با بیانیه‌های شماره ۵۵ و ۶۰ به همراه آگاهی‌ها و اطلاعاتی که طی مدت انجام دادن رسیدگیهای حسابرسی بدست می‌آید، به احتمال بسیار باعث خواهد شد که حسابرس مستقل، اطلاعات همراه‌کننده و غلط را در گزارش مدیریت که برای کنترل‌های داخلی بقیه در صفحه ۶۲

8350

آخرین دستاورد پیشرفته

شارپ



SHARP
با ۲۵ پی در دقیقه

در طراحی و ساخت دستگاه فتوکپی 8350 شارپ
انجام کار پر حجم و سنگین پیش بینی شده است

فتوکپی های شارپ بدلیل قابلیت های بیشمار و کیفیت
به نظیرشان - با پشتیبانی مطلق سرویس و تعمیرات
گسترده در سراسر کشور و تامین مواد اولیه مصرفی
در ایران نیز مقام اول را در فروش داراست.

با پشتیبانی مطلق سرویس و تعمیرات منظم در سراسر کشور

تهران ۱۴۱۶۶ - بلوار کشاورز - نبش خیابان شهید بهرام نادری (سهیل سابق) شماره ۲۱۲
طبقه دوم تلفنهای ۶۵۲۱۴۲ - ۶۵۱۲۹۴ - ۲۱۵۴۳۶۶ - ۲۱۵۴۶۸۰ فاکس: ۶۵۹۳۱۳

مرکز ماشینهای اداری ایران
MAN BUSINESS MACHINES CENTER

بایش از ربع قرن تجربه

خرید سهام



بنده هم مثل خیلی‌های دیگر تصمیم گرفتم سری به بورس تهران بزنم، ببینم چه خبر است. اوایل مرداد ماه بود و تازه از کارهای حسابرسی و اظهارنامه مالیاتی و غیره خلاص شده بودم. پیش خود «بنده» فکر کردم: هم فال است و هم تماشا. نه ویزا می‌خواهد و نه بلیط هواپیما و نه ارز خارجی. تخصص لازم که فراهم است! حسابدار که هستیم! سالها تجربه که داریم! و چند تا ترازنامه هم بیشتر از دیگران پاره کرده‌ایم! پولهای سرگردان را از حساب پس‌انداز بچه‌ها درمی‌آوریم و می‌اندازیم توی روغن معاملات سهام!

از دوستان پرسیدم که بورس تهران کجاست. هر کس جوابی داد. آخر کار یکی گفت باباجان بورس چی را می‌خواهی؟ بورس طلا، ارز، جوارب، تلفن هر کدامشان یک جای بخصوص است. خلاصه همه بورسها را بلد بودند جز بورس اوراق بهادار تهران را.

«بنده» حدس زدم حتماً انجمن حسابداران آدرس بورس را بلد است. تلفن کردم، گفتند بورس عضو ما نیست، ولی مثل اینکه چند نفر عضو در بورس داریم! نیمساعتی گوشه تلفن

دست «بنده» بود تا اینکه پس از بررسی کلیه لیستهای کامپیوتری و غیر کامپیوتری معلوم شد که آدرس بورس را دارند. تازه فرمودند بخاطر حفظ اسرار حرفهای آدرس اعضا را به هر کسی نمی دهند. گفتم خانوم، من «بنده» هستم. گفتند حق عضویت بدهکاری، آدرس نمی دیم. «بنده» گفتم اولاً که تا شهریور وقت دارم، ثانیاً «بنده» حق عضویت خودم را در اردی بهشت ماه دادام، رسید هم دارم. گفتند: به به پس معلوم شد که در مجمع عمومی هم شرکت نکرده ای!؛ حق عضویتها اضافه شده! «بنده» در نهایت شرمساری عرض کردم خوب اگر امکان دارد به حساب همان قسمتی از حق عضویت خودم که تا بحال پرداخت کرده ام، اقلاً تلفن بورس را بدهید. با یک درجه تخفیف، تلفن را مرحمت کردند. حالا کاری نداریم چقدر طول کشید تا «بنده» موفق شدم با استفاده از خدمات شرکت مخابرات، تماس برقرار کنم و آدرس بورس را بدست بیاورم!

چه در دسر تان بدهم. خودم را با اتوبوس رساندم به بورس تهران و از انواع درهای نرده ای گردان، شیشه ای اتوماتیک و غیره گذشتم و با دو نفر نگهبان ورزشکار روبرو شدم که مرا راهنمایی کردند به طبقه بالا. برق هم که طبق معمول نبود. «بنده» کورمال کورمال رفتم بالا. چشم «بنده» که به تاریکی عادت کرد دیدم به به! انگار بورس نیویورک یا توکیو است. چه غوغائی بود! تعجب «بنده» بیشتر شد وقتی متوجه شدم تازه این قسمت مربوط به تماشاچیان محترم است و دعوا سر صندلی است برای نشستن. پیش خود «بنده» فکر کردم وقتی سر صندلی برای تماشا اینهمه دعوا باشد، بین سر سهم و قیمت آن چه غوغائی در پیش است!

«بنده» مجبور شدم بایستم و عرق بریزم (همان طور که در اتوبوس ایستاده بودم و ریخته

بودم) چشمتان روز بد نبیند. دور تا دور سالن تابلو بود و اسم شرکتها و سهام معامله شده و قیمت های دیروز! یک گودال ۲۰×۲۰ متر هم آن پائین بود و بیچاره کارگزاران هم یکی در میان روی صندلی دور میزهای سیاه نشسته بودند و فکر می کردند جایشان خیلی خوب است و یک ریال یک ریال روی دست هم بلند میشدند. خلاصه در عرض نیم ساعت قیمت سهم مورد معامله هفت ریال بالا رفت!

روی دیوار طبقه بالا پر بود از تراز نامه و آمار و اظهار نظر حسابرسان! گفتم «بنده» بهتر است نگاهی به آمارها بکنم. با کمال تعجب (تعجب نکنید که «بنده» چرا اینهمه تعجب می کنم خوب ساده هستم دیگر) دیدم آمارها همه مربوط به سالهای ۶۵ و ۶۶ است، غیر از چند تائاتی که مربوط به ۶۷ است. برای چند لحظه «بنده» فکر کردم الان سال ۶۸ است! تازه رسیدم به اظهار نظرهای حسابرسان عزیز. البته زیر آمارهای روی دیوار. در اکثر آنها نوشته بود «اظهار نظر بازرس و حسابرس: بجز بندهای مشروط گزارش حسابرسی، تراز نامه وضع واقعی را نشان میدهد!». یکی دو جا هم نوشته بود «بدون در نظر گرفتن آثار ناشی از اجرای قانون مالیاتهای مستقیم از نظر ذخائر مالیاتی و رعایت حقوق صاحبان سهام، طبق مسند جات قانون تجارت، تراز نامه وضع موجود! را بنحو مطلوب و مناسب نشان میدهد!»

«بنده» می خواستم از همانجا برگردم و بروم سرمایه های سرگردان بچه های بی گناه را دوم تبه بگذارم در حساب سپرده بانکی ۶٪ ولی فکر کردم هر چه آب گل آلود تر باشد برای کسی که متخصص اینگونه امور باشد، بهتر است (در این موقع چین های خباثت روی پیشانی «بنده» بفهمی نفهمی پیدا شده بود) کمی بررسی کردم و از نوع خود نهایت استفاده را کردم و دو تا از

شرکتها را که سهامشان از نظر موارد علمی (از جمله افزایش سریع قیمت، امکانات سودآوری آینده، حجم معامله و نرخ بازده و غیره) مناسبتر بود خریدم. باز هم کاری ندارم که «بنده» چند ماه طول کشید که با هزار «من بمیرم تو بمیری» و وکالت نامه و خواهش و تمنا، ورقه های سهم را دریافت کردم و خیلی مرتب در دو پاکت جداگانه بایگانی کردم.

چند روز پیش «بنده» به همراه «عیال بنده» که او هم حسابدار است رفتیم بینیم چقدر بازده داشتیم، یعنی سهام چقدر بازده داشته است و چقدر CAPITAL GAIN داشتیم! با کمال خوشحالی دیدم هیچ ضرری نکرده ایم. سهم ۵۴۳۱ ریالی شده ۶۳۰۸ ریال و سهم ۲۴۷۰ ریالی شده ۱۸۴۱ ریال و پول قبلی سرگردان بچه های «بنده» دست نخورده است. نه سود نه ضرر! با خوشحالی مراتب را به عرض عیال «بنده» رساندم. فرمودند «خودتی»! اگر سرمایه های سرگردان بچه ها را دست نمی زدی تا بحال کلی سود ثابت بانکی بدون مالیات بدست آورده بودند! ماهی را هر وقت از آب بگیری بهتر از این است که نگیری! اون باصطلاح سواد و تجربه و سابقه حسابرسی و مشاوره مالی را بگذار در کوزه آبش را هم نگهدار چون قرار است آب جیره بندی شود! سهام را بفروش خودم بهتر بدم سرمایه گذاری کنم!

با التماس رفتم پیش یکی از کارگزاران عزیز که سهام «بنده» را هر چه زودتر بفروشند. فرمودند باید قدری! صبر کنی تا مشتری پیدا شود. «بنده» می بینم عیال رضایت نمی دهد. حالا دارم دنبال قدری! پول سرگردان (بدون بازده) می گردم تا پول بچه ها را پس بدهم و تتمه آبرویم را پیش عیال «بنده» حفظ کنم. البته اصلاً نگران نیستم، سهم حتماً ترقی می کند! بگذارید جنگ خلیج فارس تمام شود! ■

نویسنده: آنتیادنیس*

ترجمه: غلامحسین دوانی

شرکت‌های شخصی

«چگونه شرکت‌های شخصی کیفیت زندگی مشترکی را بهبود می‌بخشد»

سه فرزند که سالانه چهار هزار ساعت کار برای مؤسسه انجام می‌دهند. لیکن در مقایسه با زمانی که صرفاً یک کسارمند بسودند، قسارند کنترل بیشتری روی کار و برنامه‌های خانوادگی خود اعمال کنند. کتی‌وایت که مسئول کنترل شرکت است، میتواند ساعت ۳ بعد از ظهر شرکت را جهت انجام وظایف خانوادگی ترک کند، ولسی در مقابل مقداری از کار اداری را در منزل در ساعات پایانی شب انجام می‌دهد. مایک براون نیز با توجه به برنامه‌های خانوادگی صبحها دیروقت به محل کار می‌آید و بعد از ظهرها بلافاصله پس از تکمیل پروژه در دست اقدامش به نحوی که به اوقاتش در خانه لطمه وارد نیاید، کار را ترک می‌کند.

این زوج معتقدند که مؤسسات بزرگتر سعی دارند که برای متاهلین و نیازهایشان تسهیلاتی فراهم نمایند، اما همیشه انعطاف لازم را در این خصوص ندارند. کارمندان مؤسسه براون از یک منشی در سال ۱۹۸۳ به ۱۳ نفر در زمان حاضر افزایش یافته‌اند. اکثر آنان از مؤسسات بزرگ دولتی که آموزشهای با ارزشی برای کارکنان خود فراهم می‌آورند به استخدام این زوج در آمده‌اند. بعضی از این افراد واقعاً به نحو ایده‌آلی برای مؤسسه براون کار می‌کنند. مایک می‌گوید: «ما یک حسابدار خبره را که قبلاً دارای دفتر کاری مشرف بر بندر بستون بود، با استخدام خود در آورده‌ایم. او هنگامیکه همکاری با ما را شروع کرد صرفاً دارای یک میز کار در اتاق بایگانی بود. در قبال بعضی از مزایایی که در مؤسسات بزرگ وجود دارد، مؤسسه بر او سعی دارد که یک محیط آرام قابل انعطاف را برای کارمندان خود فراهم آورد. مایک می‌گوید: «ما انتظار تعهد خدمت در مقابل حرفه و شغل را از افراد داریم، لیکن ساعات اضافه کاری زیاد به نحوی که باعث هرز رفتن نیروی کارکنان باشد را نخواهیم داشت زیرا اگرچه ساعات کار طولانی بازده را به شیوهای بالا می‌برد، اما تأثیر سوئی بر کیفیت کار و خدمات افراد خواهد داشت. ما همیشه از نظر نیروی انسانی کمی بیش از حد لزوم پرسنل داریم. و باین ترتیب فشارهای کار بر سایر

ایفای تعهدات خود به نحوی که بتوانند وقت بیشتری را صرف توجیه مسائل مالی به مشتریان بنمایند، بود. آقای براون می‌گوید: «در یک مؤسسه بزرگ به محض اینکه شما یک پروژه را تکمیل کنید، بلافاصله برای شروع پروژه بعدی احتمالاً تأخیر کرده‌اید.» شما تعدادی از افراد شایسته و کاردان را در اختیار دارید که به مشتریان حرفه‌ای و آنهايي که از درآمد فوق‌العاده بالائی برخوردار هستند، خدماتی ارائه می‌دهند. در عین حال، انجام دادن خدمات مربوط به شرکتهای بزرگی که هزینه‌های گزافی را در این رابطه پرداخت می‌کنند نیز برعهده همین افراد است. در آن شرایط، انجام دادن نظریات مشورتی تلفنی و ارائه خدمات به مشتریان و حضور در جلسات برنامه‌ریزی آنها با هزینه زیاد برای مشتریان همراه خواهد بود. اما ما در حال حاضر خدمات خود را به آنان، در محل به مشتریان ارائه می‌نماییم. برای برخی از مشتریان وظایف خاص از قبیل کار کنترل کننده‌ها یا مدیران مالیاتی شرکتهای را انجام می‌دهیم. مشتریانی که توانایی پرداخت هزینه یک کارشناس مالی را ندارند، امکان استفاده از همان کارشناسان را بر مبنای ساعات کارکرد آنها در اختیارشان قرار می‌دهیم.

درصد بالایی از مشتریان جدید از طریق مؤسسه بوسیله مشتریان قدیمی که از توجه خاص و خدمات مؤسسه راضی و خشنودند معرفی گردیده‌اند. خانم کتی وایت می‌گوید: «وقتی ما مفاهیم صورتهای مالی را به مشتریان توضیح می‌دهیم اکثر آنان می‌گویند که هیچ مؤسسه‌ای قبلاً چنین خدماتی را برای آنها انجام نمی‌داده است.»

علاقه شخصی

از دیگر هدفهای عمده شرکا، در مؤسسه جدیدالتأسیس ایجاد موازنه بین زندگی خصوصی و حرفه‌ای آنان بوده است. آنان اکنون زوجی هستند با

زمانیکه مایک براون مدیر مالیاتی ارشد یک مؤسسه ملی حسابداری بزرگ بود، مشاهده میکرد تعداد زیادی از همکارانش تا ساعت ۸ شب، حتی در تعطیلات آخر هفته به کار می‌پردازند تا نشان دهند که کارکنان سخت‌کوشی هستند.

اگر چه بعدها مایک براون در یک کار گروهی خصوصی مشغول کار شد، لیکن بزودی دریافت که بدلیل درآمد جزئی که از مشتریان کوچک بدست می‌آورد علیرغم میل شخصی خود نمی‌توانست وقت چندانی را صرف کار گروهی نماید.

او بعدها برای دستیابی به یک کار بهتر با مشارکت کتی‌وایت که یکی از کارمندان ارشد قسمت حساسی همان شرکت بود، یک مؤسسه خصوصی در بوستون در سال ۱۹۸۳ تأسیس نمودند. شرکا با یک کامپیوتر کوچک PC و یک ماشین تایپ، دو عدد میز تحریر و یک کتابخانه و همچنین با یک مشتری بزرگ قدیمی که ما یک براون در شرکت قبلی، خدمات وی را انجام می‌داد، کار را شروع کردند. سرمایه‌گذاری اولیه آنها کمتر از ده هزار دلار بود و هدف اصلی این مشارکت کمک به کسب درآمد زیاد و ارزش ویژه بالا برای افراد معمولی حرفه‌ای و مؤسسات خصوصی، دوستانه و خانوادگی بود. یکی از تمهیدات آنان

* آنتیادنیس، نویسنده ارشد نشریه حسابدار، در استخدام انجمن حسابداران خبره آمریکا است. نقطه نظرات مشارالیه در این مقاله لزوماً بمعنای نقطه نظرات انجمن حسابداران خبره آمریکا نیست. نامبرده عضو کمیته مشورتی صدور دستورالعمل‌های تعیین روش می‌باشد.



کسی که در بازار کار فعالیت می‌کند، برای ما بسیار مشکل بود که چنین پاسخی به مشتریان بدهیم چون ما تمام سال را فعالیت می‌کردیم که درآمد خود را به میزان ۱۵۰۰۰ دلار در سال بالا ببریم، ولی اکنون ما صرفاً در یک مرحله از کار بسراحتی به آن دست می‌یابیم.

اما نقطه مقابل این طرز تفکر صرفاً یک ذهنیت رایج در مؤسسات بزرگ قدیمی بود که می‌گفت سعی کنید بهرنحوی مشتریان را حتی با فریب‌دادن نگهدارید، اگر ما چنین رویه‌ای را عمل می‌کردیم مصداق ضرب‌المثل «با یک دست نمی‌توان چند هندوانه را بلند کرد» می‌شدیم و بدیهی است تعدادی از آنها نیز می‌افتاد و می‌شکست.

وراحت سر کار حاضر شوند. ما یک می‌گویید: «این سیاست و برخورد ما با کارکنان به شیوه‌ای اثر بخشید که آن را میتوان مشابه پرداخت یک اضافه حقوق ده هزار دلاری برای هر نفر تصور نمود.» برندان اسمیت مدیری که ابتدای کارش را در یک شرکت بزرگ آغاز کرده بود، به موسسه براون روی آورد زیرا در این موسسه به او اجازه داده می‌شد که مستقیماً با مشتریان در کلیه زمینه‌های تجاری به بحث بنشیند. برای برندان اسمیت ساعات کمتر اضافه‌کاری و یک جو مساعد و مطلوب کاری، مناسب‌تر از امتیازات دیگر به نظر می‌رسد. او معتقد است که شکل و ساختار غیررسمی مؤسسات کوچکتر باعث افزایش کارایی آنها می‌گردد. وی اظهار می‌دارد: «من فکر می‌کنم در یک روز کاری هشت‌ساعته مقدار کار بیشتری در مقایسه با شرکت بزرگ قبلی که در آن کار می‌کردم، انجام می‌دهم.»

ابقاء در رشته کار خود

مؤسسه براون دارای سه مدیر است که انتظار می‌رود به مجرد اینکه آنان به هدفهای تعیین‌شده‌ای در راستای توسعه عملیات و ساعات قابل منظور نمودن به حساب مشتریان دست یابند، میتوانند تاحد یک شریک مؤسسه ترقی نمایند. در مجموع چنین افرادی در خصوص رشد آتی مؤسسه بسدلیل روند نزولی اقتصاد ایالت ماساچوست بسیار محتاط هستند. مضافاً اینکه آقا و خانم براون مایلند که شرایط کیفی را که آنها را وادار به تأسیس چنین مؤسسه‌ای نموده است، حفظ کنند. مایک می‌گوید: «اگر شما خیلی سریع ترقی کنید دیگران را مایوس خواهید کرد. در سالهای اولیه ما مجبور بودیم که به بعضی از مشتریان که می‌توانستیم کارهای مالیاتی آنها را انجام دهیم، بگوئیم که خدمات حسابرسی آنها را برعهده نمی‌گیریم. چرا که آن‌کار از عهده مؤسسه کوچکی چون ما خارج بود. از نقطه نظر

کارمندان کاهش می‌یابد و بدین طریق پروژه دیگری را می‌توان سریعاً قبول کرد و بهمین منوال خدمات سریعی را فراهم نمود.»

این شیوه و سیاست کاری در کوتاه‌مدت اثر منفی بر سودآوری شرکت دارد، ولی مؤسسه براون معتقد است که رشد و ترقی خدمات به مشتریان را در درازمدت به همراه خواهد داشت.

این زوج کوششهایی در جهت علائق شخصی و خانوادگی پرسنل خود می‌دارند. ما یک توضیح می‌دهد که ما به این مسئله واقف هستیم که موارد مهمتر از کار نیز در زندگی هر فرد وجود دارد. در همین راستا کاری کردیم که یکی از زوج‌های تحت استخدام سه روز در هفته کار کنند و دیگری اگر یک مورد اضطراری حضور او را در ایام هفته با مشکلی مواجه ساخت میتواند در روزهای شنبه تعطیلی جهت انجام دادن کارهای عقب‌مانده در اداره حضور یابد. مؤسسه براون یک صندوق ذخیره ایام فراغت نیز بوجود آورده است که از آن طریق اگر مدیران بتوانند به اهداف شخصی کاری در راس موعده‌ی خاص دست یابند، بتوانند ساعات اضافه‌کار کرده در ایام هفته ویا حتی در تعطیلات پایان هفته را در ازاء دریافت مرخصی طولانی‌تر جبران نمایند. یک کارمند در شرکت‌های بزرگ همیشه مایل است که دو ماه تعطیلات را برای گردش به اروپا برود، لیکن درخواست چنین مرخصی برای وی همیشه با ترس و لرز همراه است. کتی اضافه می‌کند که ما به کارکنان می‌گوییم که ما شما را به استفاده از مرخصی برای انجام دادن کارها و علائق شخصی تشویق می‌کنیم و این امکان را به شما می‌دهیم که با تعهد کار یکدیگر بتوانید از این مزایا بهره‌مند شوید.

یک ابتکار ساده نوین تاثیر بسیار مفیدی در روحیه کارکنان باقی گذاشت، بدین منوال که در تابستان گذشته به کارکنان اجازه داده شد که روزهای جمعه بشرطی که جلسه‌ای نداشته باشند با لباسهای اسپرت

سمنار بورس اوراق بهادار

دانشکده حسابداری و مدیریت دانشگاه علامه طباطبائی در نظر دارد سمنار فوق را در نیمه دوم خرداد ۱۳۷۰ برگزار نماید. خیابان ولی عصر خیابان توابع خیابان نظامی گنجوی

سرمایه‌گذاری در صندوق‌های امانی

نریمان ایلخانی

موجباتی فراهم آورده شد که جمع‌کثیری، بویژه عده‌ای از کارکنان شرکتها و کارمندان دولت و دیگر اقشار مردم که قبل از آن، سابقه فعالیت در یک چنین بازاری را نداشتند به جمع صاحبان سهام پیوندند متعاقب انقلاب اسلامی و ملی شدن سهام بسیاری از شرکتها و واحدهای تولیدی و همچنین مسائل و مشکلات و نارسائی‌های ناشی از جنگ تحمیلی، بورس اوراق بهادار در دهساله بعد از انقلاب عملاً با رکود کامل مواجه گردید. معهذاً در یکی دوسال گذشته، فعالیت و به تبع آن حجم معاملات بورس افزایش یافته است.

با آنکه از جمله دلایل رکود بورس، مشکلات اقتصادی دهه بعد از انقلاب بوده، معهذاً پارهای از قوانین منجمله همان قانون گسترش مالکیت واحدهای تولیدی نیز از جمله علل تضعیف قوانین و مقررات مالکیت سهام بوده است. زیرا ارتباط پرداخت وجه سهام خریداری شده توسط کارگران با سود سنوات آتی آن و نیز صدور اوراق قرضه از بابت سهام واگذار شده به سازمان گسترش مالکیت واحدهای تولیدی و صنعتی که متعاقباً با عدم پرداخت به موقع مواجه گردید، فی نفسه به تزلزل این بازار منتهی میشود. کما آنکه یکی از دلایل سقوط بورس‌های جهانی در سنوات ۱۹۳۰ صدور سهام تهیدی بوده است.

عدم توجه به تعهدات قانونی و مشکلاتی که اوراق سهامی که بدون دریافت وجه در اختیار کارگران گذارده شده بود تا از محل سود سهام جبران شود، زمانی بروز نمود که متوجه شدند سود سهامی در کار نیست یا کارخانه کلاً ملی شده است.

از میان انواع سرمایه‌گذاری‌ها ساده‌ترین شکل آن سپرده‌های بانکی است که معمولاً بازده ناچیزی دارد. این بازده در سنوات گذشته به مراتب پائین‌تر از نرخ تورم بوده است و این امر باعث شده است که استقبال چندانی به عنوان سرمایه‌گذاری از آن به عمل نیاید و اگر هم فردی وجوه مازاد خود را نزد بانک می‌نهد، در واقع امر، بازده منفی بدست آورده و بجای استفاده، در حقیقت متضرر می‌شود. حتی برای بانکها و سیستم بانکی نیز این امر مشکل‌آفرین بوده است و چون بانکها نتوانسته یا

با فعالیت مجدد بورس اوراق بهادار و افزایش حجم معاملات در بازار مذکور، موقعیت مناسبی پیش آمده است که روال سرمایه‌گذاری در آن مورد بررسی و بازنگری قرار گیرد. بورس نه تنها بازار و محل خرید و فروش سهام شرکتها است، بلکه سازمانی است که به کار نرخ‌گذاری سهام اشتغال دارد. این امر باعث شده که بورس اوراق بهادار به تشکیلاتی که نبض فعالیتهای اقتصادی یک کشور را نشان میدهد، مبدل شود.

سابقه فعالیت بورس اوراق بهادار به صدها سال می‌رسد. پس از انقلاب صنعتی در اروپا و تشکیل کمپانی‌های استعماری نظیر کمپانی هند شرقی و غیره که به امر فعالیتهای اقتصادی بسیار گسترده‌ای اشتغال داشتند نیاز به وجود بازاری که در آن اوراق سهام به سهولت و در ضمن با اطمینان از نرخ مناسب آن نقل و انتقال یابد، احساس میشد. بورس در نیمه دوم سده نوزده به شکل تقریباً کنونی آن در اغلب کشورهای اروپایی پا گرفت و قوانین تجاری آنها برای تشکیلات بورس، اعتبار و ارزش قابل توجهی قائل است.

تاریخچه بورس اوراق بهادار در ایران

به منظور گسترش مالکیت کارخانجات و شرکتها و همچنین به جهت ایجاد تسهیلات لازم برای انجام دادن معاملات روی اوراق بهادار، نیاز به وجود بورس احساس گردید. به این منظور نه تنها تشکیلات بورس پایه‌گذاری شد، بلکه به جهت فعال‌تر ساختن آن و نیز گسترش مالکیت این قبیل شرکتها، با تصویب قانون گسترش مالکیت واحدهای تولیدی عملاً

نمی‌توانستند از وجوه مذکور استفاده اقتصادی کنند، عملاً سپرده‌های مردم بجای آنکه سودهنگفتی را عاید بانک کند (در شرایط تورمی) تنها توانسته است با بازده نسبتاً اندکی بکار گرفته شود. روش دیگری که سرمایه‌گذاران میتوانند به جهت سرمایه‌گذاری، وجوه مازاد خود را مورد استفاده قرار دهند، خرید طلا، فرش، زمین، ارز، خانه، ماشین و غیره است که اگر چه معمولاً پول ارزش خود را حفظ میکند، ولی سرمایه‌گذاری مولدی نیست و فی‌نفسه تورم را دامن‌میزند علاوه بر سپرده‌های بانکی اوراق قرضه نیز از مکانیزم‌هایی است که میتواند مورد توجه سرمایه‌گذاران قرار گیرد و مردم در آن به سرمایه‌گذاری بپردازند. معیناً این مکانیزم که از نظر بازده کاملاً مطمئن است، به علت تورم همانطور که ذکر شد، مطلوبیت خود را از دست داده است. بعلاوه در ایران به دلیل عدم مطابقت آن با موازین شرعی نپسندیده شده است.

یکی دیگر از انواع سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری در سهام شرکتهاست. چنانچه شرکت خارج از بورس باشد، نیاز آن به نقدینگی از طریق سیستم بانکی، پیش‌فروش محصولات و نهایتاً آورده نقدی صاحبان سهام فعلی و یا جدید مرتفع میشود. سهامدار جدید تنها وقتی به این امر رضایت میدهد و یا این مهم زمانی انجام می‌پذیرد که به عنوان یکی از شرکای فعال در مسائل شرکت نقش داشته باشد و این امر مستلزم شناخت بسیار وسیع از عملیات تولیدی یا خدماتی شرکت خواهد بود.

در مواردی که سرمایه‌گذار از طریق بورس اوراق بهادار به خرید سهام اقدام می‌نماید، لازم است شناخت مناسبی از شرکتی که در آن سرمایه‌گذاری می‌نماید، داشته باشد.

در نتیجه بطور معمول سرمایه‌گذاران می‌توانند به سپرده کردن مازاد نقدینگی خود نزد بانک یا خرید سهام در بورس اقدام کنند. تفاوت این دو نحوه سرمایه‌گذاری بسیار زیاد است و به عبارت دیگر، قبول ریسک در سهام شرکتی که سرمایه‌گذاری در آن انجام می‌پذیرد، کاملاً جدی است. به همین دلیل سرمایه‌گذاران در پارامی از اوقات نسبت به خرید یک مجموعه از سهام اقدام می‌نمایند تا به این ترتیب ریسک خود را کاهش دهند. این امر در پارامی از شرکتها که بصورت گروه سرمایه‌گذاری فعالیت می‌نمایند نیز به چشم می‌خورد. یعنی در سرمایه‌گذاری السبزه، بهشهر و غیره و بویژه در شرکت سرمایه‌گذاری ملی، این ریسک به حد بسیار بالایی پخش شده است، یعنی با خرید سهام آن شرکت سرمایه‌گذار احتیاج ندارد که نسبت به یک صنعت خاصی مطالعات وسیعی به عمل آورد یا بیهوده سرمایه خود را به خطر بیندازد. این نحوه تقسیم ریسک باعث شده است که در کشورهایی که برای جلب سرمایه‌داران خصوصی اهمیت قائلند، شرکت‌هایی به عنوان «یونیت‌تراست» یا «صندوق‌های امانی» فعالیت نمایند که هدف اصلی این شرکتها استفاده از سود سهام شرکت‌هایی است که در آنها سرمایه‌گذاری می‌کنند. به این ترتیب که مردم به جای خرید سهام شرکتها یا شرکت‌های سرمایه‌گذاری، پول خود را عملاً بصورت ودیعه در اختیار «صندوق‌های امانی» قرار می‌دهند و آنان نیز از این وجوه جهت سرمایه‌گذاری استفاده به عمل می‌آورند. این وجوه، همان نقش وجوه اداره شده را خواهد داشت و از آن عملاً جهت سرمایه‌گذاری در دیگر شرکتها استفاده میشود.

بصورت کمابیش امروزی مدون شده است و در آن حقوق صاحبان سهام عمده و جزء بصورت کمابیش دقیقی تشریح شده و حقوق هر گروه و طبقه مشخص است و مسئولیتهای هر گروه نیز تعریف گردیده است. این امر در ایران اگر چه بصورت عمومی و کلی مشخص است، لیکن پارامی از نکات ریز و تبعی اجرائی قوانین تجاری بصورت دقیق مشخص نشده و ظاهراً اختیارات بسیاری به دارندگان سهام اکثریت داده شده است و این امر باعث میشود که سهامدار جزء باترس به سرمایه‌گذاری در شرکتها بپردازد بویژه آنکه در اغلب شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، اوراق بهادار ایران سهامدار جزء و خصوصی، خود را در مقابل سهامدار اکثریت که اغلب دوایر دولتی می‌باشند، بسیار ضعیف احساس می‌کند و اصولاً منافع این دو گروه بسیار متفاوت است. یکی به سودآوری صرف توجه دارد و دیگری نقش خود را به عنوان یک اهرم اقتصادی اجرای سیاستهای دولت به شمار می‌آورد.

انباشته شدن نقدینگی نزد بخش خصوصی از جمله عواملی است که در جهت بروز تورم عمل می‌نماید. به منظور کنترل تورم لازم است که نقدینگی بخش خصوصی که در اثر کسر بودجه‌های هنگفت سنواتی نتیجه شده است به طریقی جبران و کنترل گردد. برای این منظور اقداماتی که میتوان به انجام رسانید، مانند فروش ارز، فروش طلا، فروش کالای سرمایه‌ای، و نیز فروش سهام میتواند مدنظر قرار گیرد. از میان طرق مذکور، فروش سهام به دلایل گوناگون بیشتر مقرون به صرفه است، زیرا باعث میشود سرمایه‌گذاری بسوی صنایع و واحدهای تولیدی سوق یابد، بیشتر تحت کنترل قرار گیرد، به خروج ارز و طلا از کشور منجر نشود، از عوارض سوء بهم خوردن نظام کالاهای سرمایه‌ای جلوگیری کند و تعهد قابل توجهی برای دولت در آینده ایجاد ننماید. ضمناً نفس سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در بورس و اوراق سهام باعث میگردد که مسئولیت مدیران واحدهای اقتصادی و نیز گردانندگان بورس سنگین‌تر شود و در نتیجه با مسائل و مشکلات بادقت و وسواس بیشتری برخورد شود.

صندوق‌های امانی

یک واحد یا صندوق امانی میتواند توسط مثلاً یک بانک، شرکت بیمه یا اشخاص خصوصی راه‌اندازی شود. سرمایه‌گذاری در یک چنین واحدهایی میتواند به کاهش ریسک سرمایه‌گذاری منجر گردد، زیرا صندوق امانی چون عموماً نسبت به خرید تعداد سهام متنوعی اقدام می‌کند، ریسک کاهش سریع قیمت سهام یک شرکت تعدیل می‌شود و کاهش می‌یابد. به این وسیله سرمایه‌گذار خصوصی راغب میشود تادراین نوع از اوراق سرمایه‌گذاری کند، بجای آنکه مثلاً در سپرده قرض الحسنه یا سپرده‌های کوتاه مدت و بلندمدت بانکی سرمایه‌گذاری نماید. همچنین چون سرمایه‌گذار خصوصی درمی‌یابد که خریداری سهام برای وی توسط یک گروه متخصص انجام پذیرفته است، امید به سودآوری سرمایه‌گذاری بیشتر است.

روش کار

در صندوق‌های امانی منطق کار به این است که به جای آنکه فردی سهام یک شرکت را خریداری نماید، یک مجموعه از سهام تعداد زیادی از شرکتها را خریداری می‌نماید و به این ترتیب ریسک خود را کاهش می‌دهد و حتی علاوه بر سهام، مقداری از منابع خود را نیز بقیه در صفحه ۵۷

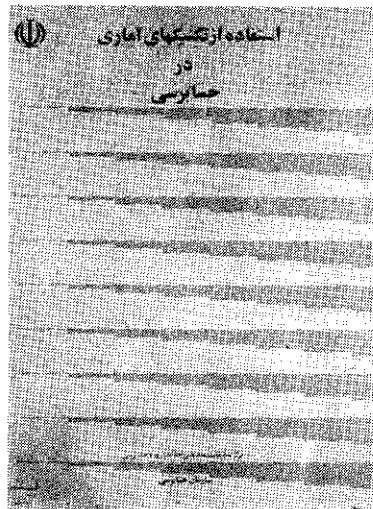
مسائل و مشکلات وضعیت فعلی

سرمایه‌گذاری روی سهام شرکتها مدت زیادی است که در کشورهای اروپایی جا افتاده است. قوانین تجاری این کشورها از این لحاظ سابقه طولانی دارد و متجاوز از صدوبیست سال است که قوانین تجاری آنان

استفاده از تکنیکهای آماري در حسابري

استفاده از تکنیکهای آماری در حسابری، ترجمه و تألیف دکتر رضا شباهنگ، مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابری - سازمان حسابری، نشریه ۸۵، چاپ اول، رحلی شهریور ماه ۱۳۶۹، تیراژ ۱۰۰۰۰ نسخه.

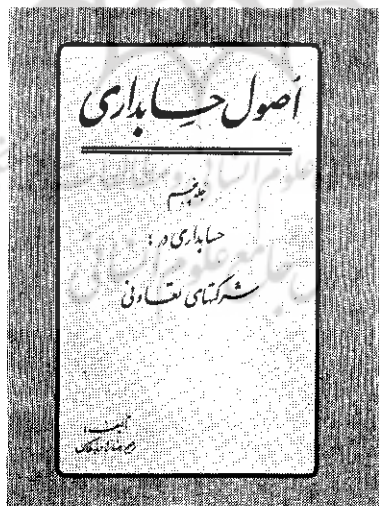
در این کتاب ابتدا درباره نمونه‌گیری آماری و هدفهای حسابری و سپس درباره نمونه‌گیری آماری در فرایند حسابری بحث شده و سپس به مفاهیم اساسی آمار، دقت، قابلیت اعتماد و احتمال خطر نمونه‌گیری و روشهای نمونه‌گیری صنعت و روشهای نمونه‌گیری متغیر طبقه‌بندی نشده و طبقه‌بندی شده، نمونه‌گیری با ضریب احتمال متناسب با اندازه و بکارگیری نمونه‌گیری آماری در حسابری پرداخته شده است. در فصول نهم، دهم و یازدهم بررسی مورد خاص شرکت صنعتی شرق، مشکلات اجراء و برنامه‌های کامپیوتری آمده است. کتاب دارای واژه‌نامه فارسی به انگلیسی، انگلیسی به فارسی و فهرست موضوعی نیز هست. مطالعه این کتاب به دست‌اندرکاران حرفه حسابری توصیه می‌شود.



کتابهای تازه...

اصول حسابداری/جلد پنجم/حسابداری در شرکتهای تعاونی

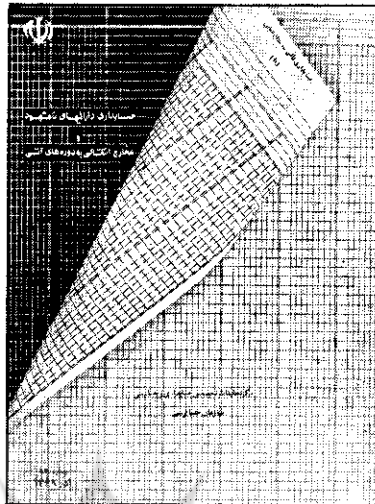
رحیم رضازاده — ملک/انتشارات
اردیبهشت/ چاپ اول ۱۳۶۹
رحلی ۱۰+۱۷۰ صفحه



مؤلف در مقدمه کتاب می‌نویسد:
دانش حسابداری گرچه اصول مشخص و مدونی دارد که در هر جامعه‌یی و هر گونه موسسه‌یی، رعایت آن اصول ناگزیر است، ولی فقط رعایت اصول دانش حسابداری، برای سامان دادن جریان امور مالی کافی نیست، بلکه باید در هر جامعه‌یی، این اصول مشخص و مدون، به نحوی مقتضی با قوانین مالی موضوعه‌ی همان جامعه ترکیب و تلفیق گردد، تا نه تنها امور مالی موسسات سامان یابد، بلکه مسئولیت‌های قانونی نیز رعایت و ملحوظ شود.
مؤلف در نظر دارد که یک دوره کتاب حسابداری در ده جلد منتشر نماید که کتاب حاضر جلد پنجم آن است قبلاً دو جلد از این مجموعه (حسابداری در شرکتهای سهامی و حسابداری در شرکتهای غیرسهامی) منتشر شده است.
کتاب در ۱۲ فصل تنظیم و برای هر

فصل مسائل مناسب طرح و تنظیم گردیده است.
کتاب دارای شش ضمیمه است. در این ضمائم قانون شرکتهای تعاونی و نیز آئین‌نامه‌های مربوط و نیز سایر مواد قانونی که به شرکتهای تعاونی ناظر می‌باشد تماماً جمع‌آوری و ارائه گردیده است.

حسابداری مالی سطح میانی ۱۰



حسابداری دارائیهای نامشهود و مغارج انتقالی به دوره‌های آتی/ مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی/ شماره ۸۴ آذرماه سال ۱۳۶۹/ ترجمه و تکلیف مصطفی گودرزی و حبیب‌اله تیموری/ چاپ اول/ رحلی ۹۴ صفحه.

کتاب حاضر هشتاد و چهارمین نشریه سازمان حسابرسی است که با توجه به روشهای نوین حسابداری و با توجه به استانداردهای رایج تنظیم شده است و نکات زیر در تألیف کتاب مورد نظر بوده است:

- ۱- بیان هریک از موضوعات مورد بحث و تشریح آن از طریق ارائه مثالهای متنوع
- ۲- پرداختن به جنبه‌های عملی و کاربرد هریک از موضوعات
- ۳- تأکید بر جنبه‌های کاربردی استانداردهای وضع شده در باره هریک از موضوعات
- ۴- در نظر گرفتن قوانین مربوط به واحدهای اقتصادی در ایران
- ۵- تدوین مطالب برای حسابداران حرفه‌ای و نیز کاربرد آموزشی آن

ملحوظ بوده است.

۶- ارائه سؤال و تمرین کتاب دارای برابری فارسی اصطلاحات انگلیسی و نیز فهرست منابع و مأخذ است چاپ کتاب با کیفیتی مطلوب انجام یافته صفحه‌بندی و آرایش کتاب با دقت صورت گرفته و بر ارزش کتاب افزوده است.

طراحی سیستم اطلاعاتی انبار

(در واحدهای صنعتی)/ گروه مهندسی صنایع انتشار جهاد دانشگاهی صنعتی شریف/ چاپ پنجم سال ۱۳۶۹ وزیری ۹۴ صفحه کتاب در سه فصل تنظیم گردیده است:
فصل اول بخشهای درگیر در سیستم اطلاعاتی انبار
فصل دوم طراحی سیستم اطلاعاتی انبار
فصل سوم مطالعه سیستم پیاده شده در یک کارخانه

کتابهای جدید غیر حسابداری

(محمدرضا محمدی‌فر) راهنمای DOS و کامپیوترهای شخصی انتشارات صداوسیما جمهوری اسلامی ایران (سروش) چاپ اول سال ۱۳۶۹/ رقعی ۲۶۱ صفحه

نظریه اقتصاد خرد/ فرگوسن جلد دوم/ ترجمه محمود روزبهان چاپ اول سال ۱۳۶۸/ وزیری ۲۸+۲۴۱ صفحه

راهنمای شرایط و اصطلاحات بازرگانی بین‌المللی (انیکوترمز)/ کتاب شماره ۳۴۵ اطاق بازرگانی بین‌المللی ترجمه عسگر شیرزاد از انتشارات کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی با همکاری اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران/ چاپ اول سال ۱۳۶۹/ وزیری ۱۹۲ صفحه

مجله‌هایی که توسط کتابخانه انجمن مرتباً دریافت میگردد.

اطلاعات سیاسی اقتصادی
نشریه ماهانه مؤسسه اطلاعات

هفته‌نامه - اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران.

گزارش کامپیوتر - ماهنامه انجمن انفورماتیک ایران

هماهنگ - فصلنامه برای هماهنگی آموزشهای فنی و حرفه‌ای

نوآوران - نشریه داخلی سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران.

فرش ایران - نشریه اتحادیه بازرگانان ایرانی فرش دستباف در آلمان غربی.

کامپیوتر - ماهنامه تخصصی سپهر - ماهنامه بانک صادرات ایران و بانکهای استان

بانک و کشاورزی - ادارمروابط عمومی بانک کشاورزی

بورس - گزارش هفتگی سازمان کارگزاران بورس اوراق بهادار تهران رونق - مجله اقتصادی - اجتماعی

کیمیا - ماهنامه علمی - فنی - اقتصادی - خبری

شماره: ۳۰/۴/۱۳۵۰۲
تاریخ: ۰۰/۱۰/۱۶۹

تاریخ پروانه بهره‌برداری ملاک آغاز فعالیتها است

رای هیئت عمومی شورایعالی مالیاتی

نامه شماره ۲۵۴۶-۳۰/۵-۶۹/۷/۳-۳۰ دفتر فنی مالیاتی مبنی بر اختلاف نظر در مورد اعمال معافیت بردرآمد واحدهای تسویدی که از طرف وزارتخانههای صنایع یا صنایع سنگین یا معادن و قزاق برای آنها پروانه یا کارت تاسیس صادر میشود از تاریخ شروع به بهره‌برداری حسب ارجاع معاونت محترم درآمدهای مالیاتی در اجرای بند ۳ ماده ۲۵۵ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ماه ۶۶ در هیئت عمومی شورایعالی مالیاتی مطرح و اجمال قضیه از این قرار است که در مورد مبدا شروع اعمال معافیت دونظریه ابراز شده که یکی از آنها شروع بهره‌برداری مندرج در پرونده رامبدا شروع اعمال معافیت دانسته و دیگری کلمه «پرونده» مندرج در ماده ۱۳۲ را ناشی از اشتباه تحریر شناخته و صحیح آن را کلمه «پروانه» میدانند. هیئت عمومی شورایعالی مالیاتی پس از بحث و بررسی و تبادل نظر و توجه به سوابق موضوع بشرح آتی مبادرت به صدور رای می‌نماید:

رای اکثریت:

راجع به کلمه «پرونده» مندرج در متن ماده ۱۳۲ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۶۶ از حیث احتمال وقوع اشتباه تحریر باید گفت بفرض عدم اشتباه مذکور نیز این سؤال مطرح می‌گردد که آیا منظور پرونده موجود نزد مرجع صدور پروانه بوده است یا پرونده مالیاتی مربوط در حوزه مالیاتی. از طرفی در تبصره ۳ ماده یادشده صراحتاً در این خصوص عبارت «پروانه بهره‌برداری» بکار رفته است که باوجود کلمه «پرونده» این نیز موجب بروز مغایرت و دوگانگی در تعیین مبدا خواهد بود. با عنایت به مراتب فوق و اینکه علی‌القاعده در موارد ابهام و مغایرت‌های قانونی حتی‌الامکان باید موضوع ایجاد هماهنگی و رعایت موازین اصولی مورد توجه واقع شود از احکام قانونی مربوط چنین استنباط میشود که تاریخ مندرج در پروانه بهره‌برداری بعنوان مبدا شروع معافیت مورد نظر بوده است و نظر دفتر فنی مالیاتی از این حیث مورد تأیید میباشد.

محمدتقی نژاد عمران
محمد رزاقی
علی اکبر نوری بخش
علی اکبر سمیعی
مجید میرهادی
محمود حمیدی
داریوش آل آقا

نظر اقلیت:

بالتفات به صراحت ماده ۱۳۲ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۶۶ مجلس شورای اسلامی در خصوص عبارت «مندرج در پرونده» بنظر میرسد تاریخ شروع بهره‌برداری مذکور در پرونده حوزه مالیاتی مورد نظر بوده است.

بخشنامه‌های مالیاتی

نقل و انتقال سهام در بورس تهران از ۱۰٪ مالیات معاف است

بمقتور تسریع در امر معاملات سهام شرکت‌های سهامی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار بندینوسیله مقرر می‌دارد که مفاد بخشنامه شماره ۳۰/۵/۱۳۷/۳۵۶۴-۶۸۱/۲۹-۳۰/۵/۱۳۷/۳۵۶۴ مستوفوع وصول ده درصد مسالیات علی‌الحساب، شامل نقل و انتقال سهام شرکت‌های مذکور تمسبات. مقتضی است مراتب راسخاً به حوزه‌های مالیاتی مربوط ابلاغ نمایند.

محسن نوربخش
وزیر امور اقتصادی و دارایی

ردیوش:

- ۱- حیث‌الاسلام و المسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران عطف بنامه شماره ۲۲/۴۲۷۶-۶۸۷/۱۷ جهت استحضار
- ۲- جناب آقای دکتر سید محمدحسین عادل رئیس محترم بانک مرکزی اسلامی ایران عطف بنامه شماره د ش ۲۵۱/۱۱ ۶۸۷/۱۱ جهت اطلاع.

اداره کل مالیات بر شرکتها

بشمار اطلاع بعضی از حوزهای مالیاتی در ارتباط با فروش دارایی قابل استهلاک در صورت تصویب علی‌الرأس اقدام به برآورد ارزش فروش نموده، مابالتفاوت ارزش دفتری و ارزش برآوردی را بعنوان یکی از اقلام درآمد محسوب و چنانچه ارزش دفتری مشخص نباشد بهای تعیین شده را عیناً درآمد مشمول مالیات تلقی مینماید. لذا در این باره نکات زیر را که به تأیید هیئت عمومی شورای عالی مالیاتی هم رسیده است برای اجراء به مأموران مالیاتی متذکر میگردد:

الف- در صورت قبول دفاتر حسب مورد با استناد بند ۵ ماده ۱۲۵ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفندماه ۱۳۴۵ و اصلاحیههای بعدی و بند ۵ ماده ۱۴۹ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ۱۳۶۶ معادل ارزش مستهلاک نشده دارایی منهای حاصل فروش بعنوان زیان و چنانچه میزان فروش بیش از ارزش مستهلاک نشده دارایی باشد، مابالتفاوت بها بعنوان سود در حساب سودنیزان مالی مربوط منظور خواهد شد.

ب- در صورت رد دفاتر و تعیین بهای فروش دارایی براساس تحقیقات معموله، احتساب بین فروش مابالتفاوت فروش و ارزش مستهلاک نشده آن بعنوان سود یا زیان صحیح نموده بسلگه طبق ماده ۱۲۸ و ۱۲۹ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفندماه ۱۳۴۵ و ماده ۱۵۲ و ۱۵۳ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفندماه ۱۳۶۶ باید با انتخاب فرجه و اعمال ضریب مناسب مینماید به تعیین درآمد حاصل از این ممر نموده و چنانچه مجموعه ضرایب موجود فاقد ضریب مالیاتی از این جهت باشد برابر تبصره ۳ ماده ۱۵۴ قانون اخیرالذکر ضریب مورد نظر توسط هیئت حل اختلاف مالیاتی محل با عنایت به مشخصات دارایی فروش رفته و سایر جهات تعیین خواهد گردید.

پ- در تعیین درآمدهای مورد بحث اولاً مأموران تشخیص یا کارشناسان و حسابرسیان مربوط مکلفند برای بست آوردن فروش واقعی دارائیه تحقیقات کافی بعمل آورند و از برآورد غیر عادلانه با نظر و رای دلخواه خود بپرهیزد ثانیاً کمیسیونها و هیئتهای حل اختلاف مالیاتی تعیین کننده ضرایب شایسته است بمتنظر رعایت عدالت مالیاتی بانوجه به واقعیت نسبت به تعیین ضرایب اقدام نمایند.

احمد حسینی - معاون درآمدهای مالیاتی

دنباله حسابداری مدیریت

هدفهایشان به کار می‌برند.

عامل دیگر برای شرکتهای کمرهای، درصد سود ناخالص و سود ویژه نسبت به فروش ۷۷٪ است. حاشیه سود برای ۸۳٪ شرکتهای ژاپنی و رشد فروش برای ۸۲٪ شرکتهای ایالات متحده معیار مالی مهمی است. البته شرکتهای کمرهای نیز تأکید قابل توجهی بر رشد در فروش دارند. در مجموع، بیش از دوسوم شرکتهای نمونه در تمام کشورهای یادشده اظهارداشتند که معیارهای فروش، سود ناخالص، سود ویژه، رشد فروش، سود عملیاتی و حاشیه سود را به کار می‌برند. تمام این معیارها مستقیماً به فروش و سود مربوط است. بنابراین، نتایج این بررسی همه جانبه

نشان‌دهنده تأکید بسیار شدیدی بر صورت حساب سود و زیان است جالب توجه است که با وجود این، دو معیار مالی که به طور نظری بر اغلب معیارهای دیگر برتری دارد، به صورت گسترده مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. اولین آنها سود اقتصادی است که عموماً چنین تعریف می‌شود: سودخالص باقیمانده، پس از کسر کلیه هزینهها از جمله کل هزینه فرصت از دست رفته تمامی داده‌ها از جمع سود. هرچند اقتصاددانان از به کارگیری این معیار حمایت می‌کنند، ولی به نظر می‌رسد که در عمل اندازه‌گیری هزینههای اقتصادی و درآمدهای اقتصادی، قطع نظر از هزینه فرصت از دست رفته، دشوار است.

دومین آنها سود باقیمانده که عبارتست از: سود ویژه عملیاتی که مرکز سرمایه‌گذاری می‌تواند بیش از نرخ بازده تقریباً حداقل، نسبت به دارائیهای فعال خود کسب کند. حسابداران این رویکرد را بر بازده سرمایه یا بازده دارائیه ترجیح می‌دهند، زیرا مدیران را به سودآور ساختن سرمایه‌گذاریهایی ترغیب می‌کند که آنها را مدیرانی که بوسیله بازده سرمایه یا دارائیه ارزیابی می‌شوند، نمی‌پذیرند. یک اشکال عمده رویکرد سود باقیمانده این است که نمی‌توان از آن برای مقایسه عملکرد بخش‌های با اندازه‌های مختلف استفاده کرد.

عامل مهم دیگر در جدول ۳، این است که بسیاری شرکتهای معیارهای گردش وجوه نقد را به کار می‌برند: ۸۵٪ شرکتهای کمرهای، ۵۳٪ شرکتهای ژاپنی و ۷۳٪ شرکتهای ایالات متحده، مدیریت مؤثر وجوه نقد، نقش اصلی را در بودجه‌های سرمایه‌ای و بقای یک شرکت ایفا می‌کند. با اینکه اهمیت مدیریت وجوه نقد آشکار است، شرکتهای در کمره و ژاپن، چنانکه باید به گردش وجوه نقد توجه نمی‌کنند.

ترازنامه نیز توجه شرکتهای را زیاد جلب می‌نماید، ولی نه به اندازه صورت حساب سود و زیان. متداول‌ترین عاملی که به عنوان معیار برای ارزیابی عملیات به کار می‌رود، موجودی است.

برای سطوح موجودی، به وسیله ۶۴٪ شرکتهای کمرهای، ۶۱٪ شرکتهای ژاپنی و ۷۰٪ شرکتهای ایالات متحده، حدود تعیین می‌شود. اغلب شرکتهای اهمیت مدیریت موجودی را در کم می‌کنند، ولی این امر نشان نمی‌دهد که سیستمهای مورد استفاده آنها برای کنترل موجودیها، چقدر گمراه کننده است انواع مختلف سیستمهای حسابداری مدیریت، مورد نیاز وضعیتهای تولیدی گوناگون است. سیستمها باید برای وضعیت خاصی که در آن به موقع اجرا گذاشته می‌شود، طراحی گردد.

با وجود مشابهتهایی بین سیستمهای حسابداری مدیریت اغلب شرکتهای در کمره، ژاپن و ایالات متحده، آنها تفاوت‌های زیادی نیز باهم دارند. دلایل بالقوه این تفاوتها باید براساس هروضعیتی که شرکتهای نمونه با آن روبرو می‌شوند، محتاطانه تفسیر گردد. در آینده، چنانکه اطلاعات بیشتر در باره روشهای حسابداری مدیریت در کشورهای مختلف آشکار می‌کند، ما امیدواریم شاهد مشابهتهای فزاینده بین سیستمهای حسابداری مدیریت در اغلب کشورهای جهان باشیم. □

۵۰٪ معافیت مالیات حقوق در روستاها

۱۳۶۹/۹/۵ - ۱۳۷۱/۱۲/۲۴

رای هیئت عمومی شورای عالی مالیاتی

پادداشت ارجامی مورخ ۶۹/۵/۱۵ مقام محترم معاونت درآمدهای مالیاتی برابر بند ۳ ماده ۲۵۵ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفندماه ۱۳۶۶ در جلسه مورخ ۶۹/۸/۲۸ هیئت عمومی شورای عالی مالیاتی مطرح است. مفاد پادداشت مذکور دایر بر این است که مسئولین امر در اجرای حکم موضوع ماده ۹۲ قانون یاد شده در ارتباط با استفاده شافعین روستاها از پنجاه درصد معافیت مالیات بر درآمد حقوق مواجه با مشکلاتی شده‌اند و در سوازری مانند ایجاد کمپ در مجاورت یک روستا و به کار گماردن بعضی افراد در آن، کارفرما یا حقوق‌گیر مدعی مشمول حکم ماده ۹۲ مزبور نسبت به حقوق پرداختی میباشند و بهر حال ادارات کل امور اقتصادی و دارایی استانها در اینخصوص برداشتهای مختلفی دارند که در اینصورت لازم است مراتب مورد طرح و اظهار نظر در شورای عالی مالیاتی واقع شود. اینک هیئت عمومی شورای عالی مالیاتی پس از مشاوره و بحث و بررسی بشش آئی اعلام رای مینماید:

طبق ماده ۹۲ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفندماه ۱۳۶۶، بطور کلی حقوق‌گیران شامل در روستاها مشمول پنجاه درصد معافیت از پرداخت مالیات حقوق میباشند، توضیح اینکه تعاریف مربوط به روستا، بخش و شهر و غیره تابع قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۲/۴/۱۵ مجلس شورای اسلامی است که مأموران ذیربط می‌توانند در موارد بروز ابهام به احکام قانون یاد شده مراجعه نمایند.

محمد تقی نژاد عمران
ناصر محمد زلفی
علی اکبر سمعی
محمد زلفی
محمد حسینی
علی اکبر نوربخش
علی اسفندی
محمد میرهادی
محمد علی سعیدزاده